

The Role of Private Law Entities in the Environmental Requirements and Obligations of Governments in The Light of International Environmental Law

(Article Type: Original Research)

MohammadAli Khorsandian¹, Yashar Taheri^{*2}

Abstract

One of the challenges surrounding the operation of private legal entities, such as multinationals or transnational corporations, is the breach of their obligations and environmental obligations that sometimes these are cause of hurt and irreparable damages. This has been one of the concerns of developing countries as capitalist countries. Consistent environmental violations by these entities raise the question of whether these entities have in principle complied with the legal requirements for adherence and promotion of environmental standards. International environmental law appears to be a requirement, though in the form of soft law, for these individuals. The standards and norms that are hoped to be enforced and institutionalized in international law can at least justify the harmful effects of private legal entities on the environmental impacts. This article deals with the requirements and obligations of non-governmental legal entities, relying on substantive legal principles that have generally entered international environmental law by peaceful international relations and through international judicial practice.

Keywords: Private Legal Entities, International Business Law, International Law, The Environmet, Principles of International Environmental Law.

1. Associate Professor, Department of Private and Islamic Law, Faculty of Law and Political Science, Shiraz University, Shiraz, Iran.

2. Ph.D. Student in Private Law, Department of Law, Khuzestan Science and Research Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. (Department of Law, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.)

Corresponding Author: yashartahery@gmail.com



نقش اشخاص حقوق خصوصی در الزامات و تعهدات زیست محیطی دولت‌ها در پرتو حقوق بین الملل محیط زیست (نوع مقاله: علمی پژوهشی)

محمدعلی خورسندیان^۱، یاشار طاهری^{۲*}

چکیده

یکی از مسائلی پیرامون عملکرد اشخاص حقوق خصوصی، نقض تعهدات و الزامات زیست‌محیطی آنهاست که گاه ضررها و خسارات جبران‌ناپذیری به‌جا می‌گذارد. این مشکل، یکی از نگرانی‌های کشورهای در حال توسعه، به‌عنوان کشورهای سرمایه‌پذیر بوده و هست. تخریب‌ها و تخلیفات زیست‌محیطی پیوسته به‌وسیله این اشخاص، این پرسش را ایجاد می‌نماید که آیا اصولاً این اشخاص الزامات حقوقی را برای پایبندی و متعهد بودن به ضوابط زیست‌محیطی پذیرفته‌اند. در این مقاله که به روش تحلیلی و توصیفی و ابزار کتابخانه‌ای و با استفاده از مطالعات اسنادی و رویکرد تطبیقی انجام گردیده است، به مطالعه حقوقی الزامات و تعهدات اشخاص حقوق خصوصی با تکیه بر اصول مسلم حقوقی که عموماً از طریق روابط مسالمت‌آمیز بین‌المللی و به وسیله رویه قضایی بین‌المللی وارد حقوق بین‌الملل محیط زیست شده‌اند، برای کارکرد سازگار با محیط‌زیست پرداخته شده است. به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که آیا اصول حقوقی در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، جنبه الزام‌آور دارند و اشخاص حقوق خصوصی ملزم به رعایت آنها هستند یا اینکه این اصول، غیرالزام‌آور و فاقد ضمانت اجرا هستند. در پایان، این پژوهش، بیان می‌نماید که اصول حقوقی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، غیرالزام‌آور بوده و ضمانت اجرای کافی برای مقابله با اشخاص حقوق خصوصی در صورت آلوده نمودن محیط‌زیست به دلایل گوناگونی همچون سود و منافع مالی طرح‌های بزرگ در پهنه محیط‌زیست بین‌الملل وجود ندارد.

واژگان کلیدی: اشخاص حقوق خصوصی، حقوق تجارت بین‌الملل، حقوق بین‌الملل، محیط زیست، اصول حقوقی حقوق بین‌الملل محیط زیست.

۱. دانشیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران؛
۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، پردیس علوم و تحقیقات خوزستان، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. (گروه حقوق، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران)؛ نویسنده مسئول
yashartahery@gmail.com

درآمد

امروزه بشر در دوره‌ای زندگی می‌کند که با انواع چالش‌ها و بحران‌ها روبه‌روست. یکی از این چالش‌ها، مخاطرات زیست‌محیطی و تغییرات و دگرگونی‌های آب‌وهوایی می‌باشد که در نتیجه دخالت نادرست در محیط زیست و بهره‌برداری نامتعارف انسان از مواهب طبیعی و جانوری و زیست‌بوم که تعادل محیط طبیعی و تنوع زیستی را به هم زده، ایجاد شده است. دستیابی به توسعه پایدار، مفهومی است که بر مبنای توافق جمعی که در سال ۱۹۹۲ کنفرانس ملل متحد در مورد محیط زیست و توسعه به منظور حصول توسعه پایدار در ریودوژانیرو برزیل برگزار شد، مورد توجه زیادی قرار گرفت.^۱ مصادیق آلودگی و تخریب محیط زیست بی‌شمارند، اما بارزترین آنها؛ تغییرات آب و هوایی و گرم شدن زمین، ذوب شدن یخ‌های قطبی و بالا آمدن سطح آب دریاها، آلودگی بی‌حد و حصر آب‌های جهان، از بین رفتن لایه اوزون، جنگل‌زدایی و بیابان‌زایی، زوال تنوع زیستی کره زمین و جابه‌جایی پسماندها و مواد شیمیایی خطرناک و نیز برداشت بی‌رویه از معادن و منابع زیرزمینی هستند. کنش‌های ویران‌گر انسان به شیوه‌های گوناگون در شتاب‌دهی به این روند، که فقط در منطقه یا بخش جغرافیایی خاصی نیست؛ بسیار رو به رشد بوده و در حال فزونی است. به دیگر سخن، محیط زیست؛ مرز نمی‌شناسد. بنابراین حتی اگر منطقه‌هایی نیز مصون از آلودگی باشند، از بروز آسیب و خسارت به سایر منطقه‌ها، تاثیر می‌پذیرند. یکی از نمودهای این رفتارهای آسیب‌زا، دخالت و فعالیت‌های دگرگون‌کننده چهره زیست‌بوم به وسیله اشخاص حقوق خصوصی می‌باشد که شرکت‌ها با تابعیت‌های مختلف به صورت پیمان‌کاری یا غیره؛ در قالب قراردادهای بین‌المللی مانند قراردادهای BOT، EPC، BUY BACK آن نقش دارند. در مورد پیشینه پژوهش، می‌توان اذعان نمود که در مورد تعهدات زیست‌محیطی که بتوان بر عهده اشخاص حقوق خصوصی بار نمود؛ در حقوق ایران فعالیت پژوهشی در حیطه حقوق بین‌الملل محیط زیست آن‌گونه که باید و شاید، دیده نشده است. اما در مورد اصول حقوقی محیط‌زیست بین‌الملل در مقاله‌ها و کتاب‌های

۱. اعلامیه هزاره در سال ۲۰۰۰ بر پایه همایش‌های جهانی سازمان ملل متحد در دهه ۱۹۹۰ منتشر شده است که سند نهایی این نشست‌ها به دستور کار قرن بیست‌ویکم مشهور شد. دستور کار بیست‌ویکم، بیان توافق جهانی و تعهد سیاسی در بالاترین سطح، برای همکاری در زمینه توسعه پایدار و محیط زیست است.

گوناگون بحث و تحلیل حقوقی انجام گرفته است. پس؛ لازم شد که در این دو حوزه وارد شده و آنها را به یکدیگر پیوند داد. به بیان دیگر در این جستار به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که آیا اصول حقوقی استفاده شده در حقوق بین‌الملل محیط زیست جنبه الزام‌آور دارند و اشخاص حقوقی خصوصی ملزم به رعایت آن هستند یا اینکه این اصول، غیرالزام‌آور و فاقد ضمانت اجرا هستند. بنابراین، تدوین یک چارچوب دقیق حقوقی برای فعالیت‌های اشخاص حقوقی خصوصی با استفاده از اصول حقوقی بین‌الملل که از طریق روابط بین‌المللی، رویه قضایی و دکترین؛ وارد حقوق بین‌الملل محیط زیست شده‌اند، ضرورت دارد. در حال حاضر حقوق بین‌الملل به ایجاد الزامات زیست محیطی برای دولت‌ها پرداخته و کمتر به وضع قوانین و قواعد الزام‌آور برای بخش خصوصی پرداخته است که در این مسیر، حقوق بین‌الملل محیط زیست نیازمند عنایت بیشتر به این مسئله که قوانین الزام‌آوری برای بخش خصوصی به ویژه شرکت‌ها که عرصه کار آنها جنبه بین‌المللی نیز پیدا می‌کند، وضع و اجرا گردد؛ بیش از پیش احساس می‌شود. با توجه به گسترش اقتصاد جهانی در همه عرصه‌ها و پیشرفت صنعت و استفاده روزافزون از محیط زیست برای تولید و تجارت بین‌الملل، جنبه نرم این اصول حقوقی تبدیل به اصولی مهم و بنیادین در روابط حقوقی بین‌الملل میان تابعان حقوق بین‌الملل مانند اشخاص حقوقی خصوصی شده است که در استفاده روزانه از محیط زیست و ضررهای وارده به آن نقش دارند. در اینجا باید به تبیین اصول حقوقی محیط زیست بین‌الملل به عنوان الزامات و تعهدات زیست محیطی این اشخاص پرداخت. هدف این مقاله، بررسی چگونگی فراخوانی و اعمال اصول حقوقی محیط زیست بین‌الملل در مورد تعهدات اشخاص حقوقی خصوصی در اجرای پروژه‌های گوناگون آنهاست که در پهنه بین‌الملل صورت می‌گیرد و بتوان تعهدات و الزام‌های زیست محیطی را بر آنها بار نمود. در مورد اعمال و فراخوانی اصول حقوقی بین‌الملل محیط زیست جهت اجرا، به عنوان قواعد بالقوه و لازم برای حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار، می‌توان با وضع و مدون نمودن آنها به عنوان پیش‌فرض‌های قانونی یا عرفی بین‌المللی و وارد کردن این اصول حقوقی و عرفی در قوانین ملی کشورها، راه را برای الزام‌آور نمودن آنها در اجرای پروژه‌های بین‌المللی بخش خصوصی که از منابع طبیعی و محیط زیست بهره می‌برند، باز نمود. در این مقاله، به بررسی مبنای حقوقی تعهدات زیست محیطی اشخاص حقوقی

خصوصی و همچنین دخالت این اشخاص در محیط زیست و بیان نمونه‌های آن در جهان می‌پردازیم که چگونه این اشخاص با برداشت نادرست از منابع زیرزمینی و معدنی مانند نفت به تخریب محیط زیست اقدام می‌نمایند و در ادامه؛ اصول حقوقی را که در حقوق بین‌الملل محیط زیست کاربرد دارند و تبدیل به قواعد اصلی شده‌اند، بیان نموده و آنها را به عنوان تعهدات زیست محیطی اشخاص حقوق خصوصی تبیین و تحلیل می‌کنیم.

۱. مبنای حقوقی تعهدات زیست محیطی اشخاص حقوق خصوصی

امروزه؛ یکی از مسائل مهم، تخریب محیط زیست به وسیله اشخاصی غیر از دولت‌ها یعنی اشخاص حقوق خصوصی است. امری که بدان کمتر توجه شده و در قالب چند توصیه یا قواعد غیر الزام‌آور بسنده شده است. حقوق بین‌الملل محیط زیست؛ به عنوان یک اصل مبنایی در مسئولیت عام بین‌المللی، بیشتر به وضع الزامات زیست محیطی برای کنش‌گران حقوق بین‌الملل مانند دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی پرداخته است و اندک؛ پیش آمده است تا به وضع الزامات حقوقی و مقررات برای اشخاص حقوق خصوصی بپردازد. بنابراین اهمیت اصول حقوق محیط زیست بین‌الملل ضمن وارد نمودن اصول سرعت و تسهیل تجارت بین‌الملل در قانون‌نگاری‌ها همراه ضمانت اجرای مناسب، باید در صدر توجه باشد و با اهتمام اجماع حقوقی جهانی، با تخلفات و خسارات وارده از سوی اشخاص حقوق خصوصی؛ برخورد شایسته قانونی صورت گیرد.

از یک سو، در نظام مسئولیت بین‌المللی، این اصل پذیرفته شده که دولت به علت اعمال ارگان‌های خود مسئول است (زمانی و میرزاده، ۱۳۹۲: ۸۲) و بر اساس حقوق بین‌الملل، صلاحیت کلی سرزمینی برای آنها امری مفروض به حساب می‌آید. حتی در مواقعی که تخلف از تعهدات بین‌المللی توسط مأموران که بدون اجازه و دستور مقام مافوق و با تخلف از نظامات و آیین‌های اداری اما در لباس رسمی یا با امکانات یا در مکان دولتی صورت گرفته باشد مسوولیت آن متوجه دولت می‌باشد (انصاریان، ۱۳۹۷: ۹۴). از دیگر سو، حقوق عام مسئولیت بین‌المللی دولت امکان انتساب مسئولیت بین‌المللی به یک دولت را به خاطر اعمال اشخاص حقوقی‌اش که مغایر با حقوق بین‌الملل باشد؛ در دو وضعیت پیش‌بینی می‌نماید: نخست، جایی که دولتی به یک

شرکت اختیار می‌دهد تا اعمال اقتدار عمومی یا حاکمیتی را اجرا نماید؛ دوم، در جایی که شرکت به دستور، یا تحت هدایت یا کنترل یک دولت عمل می‌کند؛ به علاوه در جایی که دولتی از طریق کمک کردن به فعالیت شرکت در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی ارتكابی توسط دولت دیگر یا خود آن شرکت معاونت دارد، آن‌گاه می‌توان گفت دولت نیز از منظر حقوق بین‌الملل مسئولیت دارد (صلح‌چی، ۱۳۹۳: ۱۱۲). در این راستا کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد نیز از زمانی که تدوین و توسعه قواعد مسئولیت بین‌المللی دولت را در دستور کار خود قرار داد، همواره این تغییر و تحولات جامعه بین‌المللی را مدنظر قرار داده است. کمیسیون حقوق بین‌الملل از یک سو بر اصل غیرقابل انتساب بودن رفتار اشخاص یا نهادهای خصوصی به دولت، مهر تأییدی زده و از سوی دیگر ضرورت‌های یادشده در بالا را از یاد نبرده و کوشیده تعادلی میان این دو برقرار کند. (زمانی و میرزاده، ۸۳). باید به این نکته نیز اشاره نمود که برخی معاهدات بین‌المللی نیز در تحمیل مسئولیت حقوقی بر عهده اشخاص حقوق خصوصی به عنوان نهادهای غیردولتی که اثر مستقیم و قابل توجهی اعم از آلودگی‌ها در محیط زیست بر جا می‌گذارند، صراحت دارند. برای نمونه، ماده ۲ معاهده ۱۹۶۷ ماورای جو، پیش‌بینی نموده که متعاهدین در قبال «فعالیت‌های ملی در ماوراء جو مسئول می‌باشند. چه در مواقعی که این فعالیت‌ها توسط نهادهای دولتی انجام گیرد و چه زمانی که نهادهای غیردولتی به این فعالیت‌ها مبادرت ورزند»^۱ گروهی از دکترین باور دارند که اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی شایسته مسئولیتند. به همین خاطر، در حقوق، اصلی به نام «اصل مسئولیت‌پذیری اشخاص» وجود دارد. منظور از این اصل؛ این است که در میان موجودات، فقط اشخاص هستند که می‌توانند مسئول اعمال خود باشند. به عبارتی، فقط آنهایی که دارای «شخصیت^۲» هستند، می‌توانند مسئول واقع شوند (یزدانیان، ۱۳۹۵: ۵۲). دارابودن شخصیت حقوقی به این معناست که اشخاص حقوق خصوصی نیز، صلاحیت داشتن حقوق و تکالیف و نیز صلاحیت اجرای آنها را

1. Article 1 of the Convention on International Liability for Damage Caused by Space Objects, 1972 and article XIV of the Moon Treaty, 1979., available at <https://www.unoosa.org/oosa/en/ourwork/spacelaw/treaties/introliability-convention.html>., Last visited 11 February 2021.

2. Personality.

دارد^۱ (اسکینی، ۱۳۸۷: ۴۰) و می‌تواند متعهدله، مالک، متعهد و مسئول باشند (یزدانیان، ۵۳). بر این اساس، نتیجه این عقیده، که در پیوند با الزام اشخاص حقوق خصوصی به رعایت مقررات بین‌الملل زیست محیطی که مبتنی بر تحمیل مسئولیت بر عهده دولت‌ها بار شده است، قابل تسری است و می‌توان گفت اصول حقوقی بین‌الملل محیط زیست را باید همه تابعان حقوق بین‌الملل اعم از اشخاص حقوق خصوصی نیز رعایت نمایند. ممکن است در ارتباط با این عقیده، گفته شود که اصل مسئولیت‌پذیری اشخاص به این معنی است که تنها اشخاص می‌توانند طرف تعهد واقع شوند و هیچ دلالتی بر مسئول بودن آنان نسبت به الزامات بین‌المللی ندارد و لذا نمی‌تواند به عنوان مبنای تسری مسئولیت از دولت‌ها به اشخاص خصوصی باشد.

با نگاه به آنچه که بالاتر سخن آن رفت، به نظر می‌رسد که با نگاه به حقوق بین‌الملل، اصل حقوقی صلاحیت کلی سرزمینی، پیش فرض و سنگ بنیادین این نظریه باشد تا بتوان اثبات مسئولیت برای همه اشخاص نمود (انصاریان، ۹۴). قواعد عام مسئولیت مدنی نیز در بیان شناسایی حقوقی و مبنای الزامات لازم‌الرعایه زیست محیطی به وسیله اشخاص حقوق خصوصی که دولت‌ها در آن مبنا قرار گرفته‌اند، بسیار حیاتی است. به منظور جبران ضرر نامشروع یا خطری که از سوی اشخاص حقوق خصوصی برای محیط زیست که احتمال وقوع دارد، تحقق مسئولیت نیاز به سه شرط ضروری دارد: وجود ضرر، ارتکاب فعل زیانبار و رابطه سببیت بین فعل شخص حقوق خصوصی و ضرری که وارد شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۳۹).

بر اساس قواعد عام مسئولیت، هر شخص باعث ورود ضرر و خسارت به دیگری گردد، مسئول جبران ضرر ناشی از عمل خود می‌باشد که با توجه به پیشرفت‌های صنعتی و اجتماعی نیز مفهوم عرفی علیت بین فعل زیان‌بار شخص و تلف (خسارت) برای ایجاد الزام در مسئولیت کفایت می‌کند. (کاتوزیان، ۶۹) در این راستا، نتیجتاً اشخاص حقوق خصوصی نیز بر پایه این اصول هر گاه باعث ورود خسارت زیست محیطی گردند، باید به جبران خسارت بپردازند.

۱. ماده ۵۸۸ قانون تجارت ایران در بیان داشتن مسئولیت برای شخص حقوقی بیان می‌دارد: ((شخص حقوقی می‌تواند داراری کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است، مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد، مانند حقوق و وظایف ایوب، بنوت و امثال ذالک)).

از سوی دیگر، برای بیان مبنای الزامات بین‌المللی زیست محیطی که از دولت‌ها به اشخاص حقوق خصوصی تسری داده می‌شود، می‌توان گفت که دولت‌ها باید الزامات بین‌المللی زیست محیطی را رعایت نمایند و در این راه کوشش کنند تا محیط زیست تخریب نگردد. از این منظر، همه تابعان حقوق بین‌الملل محیط زیست از جمله اشخاص حقوق خصوصی نیز ملزم به پیروی از آن بوده و محیط زیست را حفاظت کنند. از این حکم به نظر می‌رسد که بتوان وحدت ملاک^۱ گرفت که دولت‌ها باید به حفاظت محیط زیست و اصول حقوقی در این زمینه متعهد باشند. حال اگر به علت مصرحه، اشخاص حقوق خصوصی نیز که مشمول این اراده جهانی و تحت نظر دولت‌ها، یکی از اجراکنندگان این اصول حقوقی بین‌الملل محیط زیست در اجرای پروژه‌های خود هستند، این الزام حقوقی را بیابند؛ می‌توان گفت که اشخاص حقوق خصوصی نیز اصول حقوقی حقوق بین‌الملل محیط زیست را به عنوان یک الزام حقوقی و پیش‌فرض اصلی رعایت نمایند (محمدی، ۱۳۸۶: ۲۰۵).

۲. دخالت اشخاص حقوق خصوصی در محیط زیست

فعالیت‌های اشخاص حقوق خصوصی همچون هر رفتاری دارای پیامدهای خوب و بد محیط‌زیستی است. طرفداران فعالیت‌های این اشخاص، دلیل‌های انسانی و اقتصادی که در بردارنده اهداف گوناگون بشری از قبیل کمک به رشد و توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی در کشورهای توسعه‌نیافته و افزایش جریان سرمایه در سطح جهان و بهبود روابط اقتصادی کشورهاست (پاسبان و اصغری، ۱۳۹۳: ۴۹). این در حالی است که رویه منفی این کارها بسیار روشن‌تر است و دلیل بی‌اعتباری و بدگمانی به عملکرد این اشخاص^۲ که با اهداف

۱. وحدت ملاک یعنی یکسان بودن و ملاک همان مناط و علت است که علت حکم در اصل و فرع یکسان باشد. که اگر این علت بیان شده باشد، نوعی اتحاد طریق و قیاس منصوص العله می‌باشند. ک به: شهبازی، محمدحسین، (۱۳۹۲). درسهایی از اصول فقه، تهران، میزان. همچنین؛ محمدی، ابوالحسن، (۱۳۸۶). مبانی استنباط حقوق اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۲. این اشخاص در مسیر دست‌یابی به سود بیشتر، محیط زیست را به مخاطره افکنده و گاهی خسارات جبران‌ناپذیری بدان وارد آورده‌اند. آلودگی که یکی از عوامل تخریب محیط زیست می‌باشد، یکی از موارد مسئولیت‌زا برای اشخاص حقوق خصوصی می‌باشد که در پهنه‌های گوناگون همچون آب، خاک و هوا دخالت‌های دگرگون‌کننده می‌دهند. آلودگی، تغییرات نامطلوب در خصوصیات فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی هوا، آب و خاک است. به مفهوم دیگر، هرگونه تغییر در ویژگی اجزای متشکل محیط زیست به طوری که استفاده پیشین از آنها ناممکن گردد و به طور مستقیم یا غیرمستقیم منافع و حیات موجودات زنده را به مخاطره اندازد، آلودگی دانسته شده است که این عوامل در نهایت باعث ایجاد مزاحمت و اثرات منفی در محیط زیست می‌گردند. (دبیری، ۱۳۷۵: ۱۱).

صرفاً مالی و کسب سود بیشتر است را فراهم می‌نماید. زیرا برابر میثاق‌ها و منشور سازمان ملل، زیست‌بوم جایی است که همه جانداران در آن زندگی می‌کنند که در بردارنده تنها انسان نمی‌گردد (جوییتس. ۱۳۹۴: ۷۸). دو حوزه پرخطر و آسیب‌زا که منتج به آلودگی محیط زیست می‌گردند، فعالیت‌های برخی شرکت‌ها در امور صنعت نفت و نیز معدن‌کاری بوده است که نمونه‌هایی از آنها در بخش بعد آورده می‌شود.

۳. نمونه آلودگی نفتی در محیط زیست

۳-۱. استخراج نفت در دریاچه مازندران در جمهوری آذربایجان

استخراج نفت جمهوری آذربایجان در دریاچه مازندران (کاسپین) که بر عهده شرکت انگلیسی بریتیش پترولیوم^۱ (بی پی) قرار گرفته است، یکی از موارد تخریب محیط زیست است. در این راستا کنسرسیوم شرکت بین‌المللی بهره‌برداری آذربایجان^۲ به رهبری شرکت نفتی بی پی، طی توافق با وزارت محیط زیست و ثروت‌های طبیعی جمهوری آذربایجان به منظور تزریق مجدد آب‌های آلوده به نفت، به چاه‌هایی به ژرفای شش هزار متر متعهد شده بود (خبرگزاری تحلیلی آران، ۱۳۹۱). در نهایت این کنسرسیوم با سوءاستفاده از اعتماد دولت باکو به تعهدش عمل نکرده و مواد آلوده نفتی را به آب‌های دریای خزر جاری کرد که موجب نابودی ماهیان و سایر جانداران خزر شده است. هم‌چنین به دلیل کاهش شدید اکسیژن در آب‌های خزر ناشی از جاری شدن آب‌های آلوده نفتی، باکتری‌های خطرناک در آب‌های دریای خزر افزایش یافته و شرایط را برای جهش‌های ژنتیکی خطرناک میان جانداران دریاچه فراهم کرده است (غیشاوی، ۱۳۸۲: ۵).

1. British Petroleum (BP Plc).

2. Azerbaijan International Operating Company (known as: AIOC)., for more see link: https://www.bp.com/en_az/azerbaijan/home.html, last visited 12 March 2021.

and also see: https://www.azer.com/aiweb/categories/magazine/62_folder/62_articles/62_socar_aioc.html, Last visited 13 February 2021.

۳-۲. نشت پیوسته نفت در دلتای نیجر^۱

نشت پیوسته نفت در دلتای نیجر یکی از فجایع محیط‌زیستی معاصر است که ناشی از استخراج نفت شرکت رویال داچ شل رخ داده است. زیرا چهل درصد نشت نفت این شرکت چندملیتی را بین سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۲ تشکیل داده بود. نشت مداوم نفت در دلتای نیجر با بر جای نهادن لایه‌های نفت، اکوسیستم منطقه را به نابودی می‌کشاند. آلودگی در این منطقه به اندازه‌ای گسترده بوده است که ماهی‌گیری، جنگل‌کاری و کشاورزی را در بخش‌های وسیعی از این ناحیه ناممکن ساخته است. نگهداری نامناسب از لوله‌های نفتی؛ بیشتر موجب نشت نفت و سرازیر شدن آن به مزارع کشاورزان می‌گردد. بیشتر روستاییان منطقه به دلیل آلودگی نفتی، به آب آشامیدنی سالم و بهداشتی دسترسی ندارند و آب آشامیدنی از نقاط دیگر به این ناحیه وارد می‌شود. به علاوه اشتعال گاز به طور مداوم، نه تنها سبب انتشار گازهای گلخانه‌ای در اتمسفر شده، باعث بارش باران‌های اسیدی و نابودی پوشش گیاهی و جانداران نیز شده است. همچنین میزان بیماری‌های تنفسی، سرطان و دیگر بیماری‌های مرتبط با آلودگی آب را افزایش داده است (Shinsato, 2005:194). البته دوباره در سال ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹، دو نشت گسترده نفت در شهر ماهیگیری بودو^۲ واقع در دلتای نیجر تأثیر فاجعه‌باری داشت. نفت خام و روغن سیاه غلیظی برای هفته‌ها به رودخانه‌ها و نهرها نشت کرد و باعث کشته شدن ماهی‌ها و نابودی معیشت مردم شد. شرکت چند ملیتی نفت شل^۳، مجری خطوط لوله نفتی نشتی، بارها نفت و حجم روغن ریخته شده را کاهش داد و فقط مبلغ ناچیزی (۴۰۰۰ دلار) به جامعه محلی پیشنهاد داد. البته جامعه بومی با کمک سازمان‌های حقوقی و بین‌المللی اقدامات قانونی را آغاز کرد و شرکت شل اعتراف کرد که اظهارات نادرستی راجع به میزان نشت داده است و در دادگاه توافق بر جبران خسارت شد که تاکنون ۵۵ میلیون پوند غرامت به جامعه پرداخت کرده است.^۴

1. Niger Delta.

2. Bodo.

3. Shell Oil Company.

۴. تارنمای تحلیلی عصر ایران، هفدهم دی ۱۳۹۳. ن.ک به: <https://www.asriran.com/001ZbC> - گزارش تحقیقی سازمان عفو بین‌الملل درمورد نشت نفت دلتای نیجر ناشی از خسارت وارده از شرکت رویال داچ شل، سپتامبر ۲۰۱۲. برای دانستن بیشتر ن.ک به:

<https://www.amnesty.org/download/Documents/16000/afr440422012en.pdf>.

این امر بیانگر دخالت نابجا و استفاده نادرست اشخاص حقوق خصوصی بدون در نظر گرفتن اصول حقوقی و نقض زیان بار مقررات حقوق محیط زیست بین الملل است که با عدم تعهد شرکت به حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار، باعث ورود ضرر به محیط زیست شده و تنها انتفاع مادی خویش را ترجیح بدهد. البته به تازگی در پاییز سال ۲۰۲۰، دادگاه عالی نیجریه درخواست شرکت اروپایی رویال داچ شل^۱ را برای تجدید نظر درباره حکم قبلی مبنی بر پرداخت ۴۶۷ میلیون دلار به خاطر خسارات ناشی از آلودگی نفتی که تقریباً پنج دهه پیش در آب های این کشور رخ داده بود، رد کرد. قضاات دادگاه عالی نیجریه حکم پیشین را که براساس آن، این شرکت نباید خسارت ناشی از نشت نفت در اجاما-ابوبو^۲ در ایالت ریورز را بپردازد، تأیید کردند. هیأت پنج نفره قضاات عالی نیجریه اعلام کردند که درخواست شرکت نفت شل برای بررسی این پرونده، فاقد شایستگی حقوقی بود. (RT, 2020:Nov,28)

۳-۳. نشت نفت در خلیج مکزیک

نشت نفت از سکوی دیپ واتر هورایزن^۳ متعلق به شرکت بریتیش پترولیوم در خلیج مکزیک که دست کم به مدت سه ماه در سال ۲۰۱۰ ادامه داشت، بزرگترین حادثه نفتی دریایی در تاریخ صنعت نفت است. در جریان این نشت، برابر چهار میلیون و نهصد هزار بشکه نفت خام وارد دریا شد. این رویداد، صدمات گسترده جبران ناپذیری به محیط زیست دریایی و حیات وحش منطقه و همچنین صنایع گردشگری و شیلات آن وارد نمود. به دنبال این فاجعه، حیات چهارصد گونه از جانوران ساکن جزایر و تالاب های خلیج به مخاطره افتاده و نزدیک به هفت هزار جانور بی جان نیز جمع آوری گردید. نشت نفت از چنان گسترده ای برخوردار بود که تا جولای ۲۰۱۱ حدود هفتصدونود کیلومتر از سواحل لوئیزیانا، میسیسی پی و فلوریدا هم چنان آلودگی نفتی ادامه داشت. برخی از کارشناسان این نشت نفت را بدترین فاجعه زیست محیطی ایالات متحده توصیف نموده اند. (Bigg, 2011:1)

1. Royal Dutch Shell.
2. Ejama-Ebubu.
3. Deep Water Horizon.

۴. نمونه آلودگی معدنی در محیط زیست

یکی از کارهایی که می‌تواند محیط زیست را با خطرات اساسی مواجه کند، فعالیت‌های معدن‌کاری و فراوری محصولات معدنی است. تاکنون موارد تخریب زیست‌محیطی متعددی پیرو فعالیت شرکت‌های گوناگون در این زمینه گزارش شده است. با توجه به اینکه مواد معدنی برای بقای بشر به ویژه کشورهای در حال توسعه ضروری هستند و به اقتصاد آنها یاری می‌رساند، ولی تهدید اثرات منفی ناشی از سرعت بی‌سابقه‌ای که در استخراج و برداشت از معادن پدید آمده، به مرور زمان از فواید آنها می‌کاهد. معدن‌کاری‌های گسترده و فراوری معدنی می‌تواند بر کیفیت زمین، آب و هوا لطمه وارد نماید. گسترش معدن و تخلیه خاک‌های سطحی در برداشت‌های روسطحی مانند معادن مس، نه تنها گیاهان و جانوران را در معرض نابودی قرار می‌دهد بلکه کشاورزی در آن محدوده را نیز ناممکن یا دشوار می‌سازد. کیفیت آب نیز تحت تأثیر فلزات و مواد شیمیایی سمی مورد استفاده در فراوری قرار می‌گیرد و رودخانه‌ها توسط پسماندهایی که در آنها تخلیه می‌گردد، آلوده می‌شوند. همچنین می‌توان به آلودگی غبارهای سمی، انتشار دی‌اکسیدسولفور، باران اسیدی و فرسایش خاک اشاره نمود. (علیزاده سیدی و درزی، ۱۳۹۳:۴۳)

۴-۱. استخراج طلا از معادن غنا

در سال ۱۹۸۹ بزرگ‌ترین شرکت معدن‌کاری در کشور غنا به نام شرکت آشانته گلدفیلد که در زمینه کشف و استخراج طلا فعال است، پروژه معدن‌کاری سطحی خود را در این کشور اجرا نمود که سبب تخریب اراضی قابل کشت منطقه گشت و ساکنان منطقه به دلیل وضعیت ایجاد شده، درخواست جبران خسارت نمودند. شوربختانه محیط زیست بسیاری از کشورهای در حال توسعه که درصد بهره‌برداری از منابع معدنی خود برآمده‌اند به طرز مشابهی دست‌خوش تخریب گشته است.^۱

1. <https://ejatlas.org/conflict/obuasi-gold-mines-in-ashanti-region-ghana>. Last visited 5 February 2021.

- OK Tedi river.

۴-۲. کشف و استخراج مس و طلا در پاپوا گینه نو

یکی دیگر از حوادث رخ داده در حوزه معدن کاری که خسارات جبران ناپذیری بر محیط زیست کشور میزبان بر جای نهاد، در قضیه استخراج از معدنی در کشور پاپوا گینه نو بود که فاجعه زیست محیطی، آلودگی گسترده رودخانه او کی تدی^۱ را در پی داشت. معدن طلا و مس او کی تدی در کوه فوبیلان واقع در سرچشمه رودخانه او کی تدی واقع شده است. این معدن که بزرگترین منبع درآمد کشور پاپوا گینه نو است توسط دولت و دو شرکت خارجی اداره می شد.^۲ در حادثه‌ای که در دهه ۱۹۹۰ رخ داد، هر سال ۴۰ میلیون تن سنگ زائد و ۳۰ میلیون تن ضایعات معدنکاری توسط شعبه شرکت معدن کاری استرالیایی^۳ مستقیم وارد طبیعت می شد. روند مزبور آسیب‌های جبران ناپذیری بر تنوع زیستی سیستم رودخانه‌ای و نیز جنگل‌های استوایی مجاور وارد نمود و بدین وسیله روش سنتی امرار معاش بومیان ساکن در منطقه را از میان برد. همچنین تقریباً همه ماهی‌های رودخانه بر اثر مسمومیت از بین رفتند، ۱۷۶ کیلومتر مربع از جنگل‌ها تخریب و بین سی تا پنجاه هزار ساکن جنگل‌های بارانی در امتداد رودخانه جابه‌جا شدند.^۴ (Banks, 2001:55)

۵. الزامات زیست محیطی لازم‌الرعایه به وسیله اشخاص حقوق خصوصی

هدف بخش کنونی، تشریح و تحلیل این مسئله مهم است که همه کنش‌گران در کره زمین اعم از انسان‌ها، دولت‌ها، نهادها، اشخاص حقوق خصوصی مانند شرکت‌های چند ملیتی و سازمان‌های بین‌المللی نسبت به محیط زیست و تخریب آن مسئول می‌باشند و باید در قبال این مسئولیت پاسخ‌گو و مراقب باشند. در راستای حفظ

1. OK Tedi river.

۲. مالکیت معدن مزبور در اختیار شرکت استرالیایی BHP Billiton، ۵۲ درصد، شرکت معدن کاری کانادایی In-met هیجده درصد و دولت پاپوا گینه نو سی درصد بوده است.

3. BHP Billiton

4. For more, also see: Belching Out Copper, Gold and waste. Available at: https://wwf.panda.org/discover/knowledge_hub/where_we_work/new_guinea_forests/problems_forests_new_guinea/mining_new_guinea/ok_tedi_forest_new_guinea/. Last Visited 1 August 2021.

محیط زیست، الزاماتی بر اشخاص حقوق خصوصی همچون شرکت‌های فراملی وارد شده که باید آنها را رعایت نمایند و در همه بخش‌های اجرای یک پروژه آنها را سرلوحه کارشان قرار دهند. زیرا که دولت‌ها که به سیاست‌گذاری عمومی می‌پردازند، نمی‌توانند به تخریب محیط زیست خود بی‌تفاوت باشند. چون فرهنگ محیط زیست یک فرهنگ جهانی شده است و فارغ از ملیت و تابعیت، همه اشخاص حقوق خصوصی نیز ملزم به رعایت آن می‌باشند تا از مسئولیت‌های تخریب آن بری باشند. شایان ذکر است که تعهدات و الزامات برای این اشخاص، عام‌الشمول است و ناشی از عرف بین‌الملل و قواعد آمره می‌باشد. (ابراهیم گل، ۱۳۸۸: ۱-۳) و خساراتی قابل جبران است که در اثر نقض تعهدات بین‌المللی و اعمال منع‌نشده وارد می‌شوند. (عبداللهی، ۱۳۹۶: ۲۱۱- میرحسینی و همکار، ۱۳۹۳: ۷۶). پس اشخاص حقوق خصوصی مانند شرکت‌ها باید از یکسری الزامات و تعهداتی که بر آنان در عرصه بین‌الملل به موجب اصول کلی حقوقی بین‌الملل محیط زیست بر آنان بار می‌شود، پیروی نموده و این هنجارها و استانداردهای لازمه را که به طور الزام‌آور و آمره از منشورها، عهدنامه‌ها و معاهدات بین‌المللی و قراردادهای دوجانبه ناشی می‌گردد، لحاظ نموده و اجرا بنمایند.

در گزارش دبیر کل ملل متحد به کمیسیون شرکت‌ها در سال ۱۹۹۱ آمده است: «در شرایطی که خط‌مشی‌ها و استانداردهای زیست‌محیطی از رهگذر مذاکرات و سیاست‌های بین‌الدولی مورد قبول واقع شده‌اند، از شرکت‌های فراملی انتظار می‌رود تا فعالیت‌های خود را با این استانداردها هماهنگ نمایند. زیرا این قبیل خط‌مشی‌ها نمایانگر استانداردهای حداقلی هستند که جامعه بین‌المللی در مورد آنها به توافق رسیده است.^۱» اگرچه در گزارش دبیر کل ملل متحد به وجود استانداردهای حداقلی زیست‌محیطی اذعان شده است که جامعه بین‌المللی انتظار پیروی از آنها را دارد، اما واقعا این قبیل اسناد تنها بیانگر اراده و عزمی کلی هستند و شوربختانه ضمانت اجرا ندارند و غیرالزام‌آورند.

در خصوص مسئولیت اشخاص حقوقی خصوصی باید اشاره نمود که مسئولیت اشخاص غیردولتی نافی مسئولیت دولت متبوع ایشان نیست و هر دولت، باید مسئولیت

1. Report of the Commission on Transnational Corporations, Available at <https://digitallibrary.un.org/record/127206?ln=en>, Last visited 2 March 2021.

کلی را برعهده بگیرد و پاسخگو باشد. تردیدی هم در این نیست که کشورها مسئول اعمال متخلفانه منجر به ایراد خسارت به اتباع کشورهای دیگر توسط نهادها و اشخاص خود هستند. و بر اساس حقوق بین‌الملل؛ صلاحیت کلی سرزمینی برای آنها مفروض به حساب می‌آید. (انصاریان، ۱۳۹۷: ۹۴) برای مثال، اگر یک موافقت نامه بین‌المللی، وضع محدوده خاصی را در ارتباط با انتشار ماده ای مانند گازهای سمی و مواد شیمیایی در طبیعت، الزامی بداند، هر کشور طرف موافقت نامه در ازای هر فعالیت صورت گرفته در قلمروی خویش که از این محدوده تجاوز کند، مسئول خواهد بود؛ حتی اگر این فعالیت توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی صورت گرفته باشد. چرا که این کشور تعهد الزام آوری را مورد پذیرش قرار داده است. در ادامه به هنجارها و استانداردهایی که از اصول حقوقی بین‌الملل محیط زیست ناشی می‌شود و کاربرد آنها در فعالیت و تعهدپذیری اشخاص حقوق خصوصی مانند شرکت‌ها اشاره می‌گردد.

۵-۱. یکپارچه‌سازی

به موجب اصل یکپارچه‌سازی که بدان اصل ادغام نیز گفته می‌شود؛ و یکی از مبانی اصلی حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار به شمار می‌رود، کشورها و سازمان‌های بین‌المللی باید ملاحظات زیست‌محیطی را در برنامه‌های اقتصادی خود ادغام نمایند و نیز دغدغه‌های اقتصادی و اجتماعی را در هنگام تدوین و اعمال تعهدات زیست‌محیطی خود در نظر بگیرند. (Sands, 1993: 263-264) بر طبق این اصل که برگرفته از اصل چهارم اعلامیه ریو می‌باشد، برای دستیابی به توسعه پایدار، حفاظت از محیط زیست باید بخشی جدایی‌ناپذیر از روند توسعه باشد و نمی‌تواند جدا از آن در نظر گرفته شود.^۱ در اتحادیه‌های منطقه‌ای مانند اتحادیه اروپا و اتحادیه مرکوسور^۲ نیز

1. Rio Declaration, (1992); Principle 4: "In order to achieve sustainable development, environmental protection shall constitute an integral part of the development process and cannot be considered in isolation from it."

۲. بازار مشترک کشورهای آمریکای جنوبی (مرکوسور) یا (Mercado Común del Sur)، تعدادی از کشورهای آمریکای لاتین را در بر می‌گیرد. مرکوسور در ماه مارس ۱۹۹۱ با امضای پیمان آسونسیون در پایتخت پاراگوئه میان کشورهای جمهوری فدرال برزیل، جمهوری آرژانتین، جمهوری پاراگوئه، ونزوئلا و جمهوری اروگوئه پایه‌گذاری شد. در حال حاضر مرکوسور شش عضو اصلی دارد که آخرین آن ونزوئلاست که در سال ۲۰۰۵ به عضویت کامل سازمان پذیرفته شده‌است. این منطقه تجارت آزاد را می‌توان بخش عمده و اصلی آمریکای جنوبی به ویژه در زمینه اقتصادی به شمار آورد. هدف مرکوسور آسان‌سازی بازرگانی و هم‌چنین تسهیل جریان کالا، پول و افراد میان کشورهای عضو است. برای بیشتر، ن.ک به: تارنمای مرکوسور

<https://www.mercosur.int/documentos-y-normativa/textos-fundacionales/>, Last visited 10 March 2021.

اصل یکپارچه‌سازی و ادغام، به عنوان یک مقدمه بنیادین برای تجارت بین‌الملل در ایجاد توسعه پایدار به عنوان یکی از عوامل اصلی حفاظت از محیط زیست، مورد استفاده قرار گرفته است. مانند معاهده آمستردام که خیلی پیشتر در مقررات کلی، این ادغام الزامی محیط زیست را مورد توجه قرار داد و مفهوم توسعه پایدار را سرانجام در متن معاهده جامعه اروپا وارد کرد و اهمیت تجارت و لحاظ کردن حقوق بین‌الملل محیط زیست در راهبرد ۲۰۱۲ اتحادیه اروپا همچنان در حوزه ارتباطات تجاری، اهمیت ارزش توسعه پایدار در نظام توسعه تجارت را منعکس می‌کند. هم‌چنین در مورد پیمان تجاری آمریکای لاتین موسوم به بازار مشترک جنوب در ماده ۵ فصل سوم توافق‌نامه زیست محیطی مرکوسور بیان می‌کند که دولت‌های عضو در راستای همکاری مشترک تجاری باید به اتخاذ سیاست مشترک برای (اعمال اصل ادغام) لحاظ کردن محیط زیست و توسعه پایدار تلاش نمایند (جلالی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۱ و ۴۷). اگرچه این قاعده در اصل ۴ اعلامیه ریو در رابطه با برنامه‌های توسعه ملی مطرح گردیده است، اما از آنجا که یکی از تابعان جامعه ملل، اشخاص حقوق خصوصی هستند که به تجارت و فعالیت روزانه در برداشت از منابع طبیعی در محیط زیست مشغولند و نیز این اصل که دولت‌ها در برابر ارگان‌های خود مسئولند و بر طبق قواعد مسئولیت نیز رفتار آن ارگان‌ها قابل انتساب به دولت است، به ویژه زمانی که امور حاکمیتی‌شان را یک رکن خصوصی انجام می‌دهد یا شخص حقوق خصوصی تحت نظارت، هدایت و کنترل دولت فعالیت را انجام می‌دهد یا در عمل متخلفانه بین‌المللی معاونت می‌کند (صلح‌چی، ۱۳۹۳: ۱۱۳ و ۱۱۴)، با توجه به اصل یکپارچه‌سازی که ناظر بر رفتار دولت‌ها بوده و اشخاص حقوق خصوصی نیز باید رعایت نمایند، مدیران و مسئولین اشخاص حقوقی مکلفند که الزامات زیست‌محیطی را در مورد برنامه‌های اجرایی و فنی و تصمیم‌سازی خود لحاظ نمایند^۱. از دیگر سو، حق انسان بر محیط زیست یکی از حقوق بین‌الملل بشر است که باید مورد احترام همه تابعان حقوق بین‌الملل اعم از دولت‌ها و اشخاص حقوق خصوصی باشد. بنابراین، این حق باید در اجرای پروژه‌های اشخاص حقوق خصوصی نیز در تصمیم‌سازی مدیران آنها لحاظ گردد. زیرا این حق مورد شناسایی بین‌المللی نیز قرار گرفته است. چه اینکه حتی اگر دولت‌ها؛ مسئولیت اصلی ترویج،

۱. ژوئن ۱۹۹۲، ریودوژانیرو، برزیل.

اطمینان از تحقق، احترام، اطمینان از احترام و حمایت از حقوق بشر را بر عهده دارند، شرکت‌های تجاری، به عنوان اعضای جامعه، همچنین مسئول ارتقاء و تأمین امنیت مجموعه حقوق بشر هستند^۱.

۵-۲. تعهد ارزیابی

ارزیابی اثرات زیست محیطی، فرایندی تحت کنترل دولت و با دخالت مردم است که در آن ارزیابی علمی از آثار بالقوه زیست محیطی ناشی از پروژه پیشنهادی با آثار مضر محتمل صورت می‌گیرد. هدف آن، بهبود کیفیت اطلاعات است تا مقامات ذی‌ربط تصمیمات بهتری از نگاه زیست محیطی بگیرند و سطح مشارکت مردم در حفاظت از محیط زیست بهبود یابد (Marsden, 2011: 15). ارزیابی پیشین فعالیت‌های بالقوه خطرناک، تعهدی است که از مفهوم پیشگیری سرچشمه می‌گیرد (Glasson and Co., 2012: 6). از آنجایی که کوتاهی و قصور در تلاش جهت جلوگیری از خطرات فرامرزی؛ می‌تواند منجر به مسئولیت بین‌المللی گردد، این مسئله نیز قابل بررسی است که انجام صحیح و دقیق یک ارزیابی تأثیرات زیست محیطی می‌تواند به عنوان استاندارد جهت تعیین میزان توجه و دقت در پیشگیری از خطر عمل کند. (کوروکولا سوریا و رابینسون، ۱۳۹۰: ۱۱۸). این سازوکارهای پیشگیرانه می‌تواند شامل نظارت، صدور هشدار و اعلامیه و تبادل اطلاعات شود که جزو تعهداتی است که در اسناد متعدد زیست محیطی درج شده‌اند. باید تأکید کرد که هر فعالیت پیشنهادی موضوع ارزیابی قرار نمی‌گیرد و فقط آن دسته از فعالیت‌هایی که دارای سطح معین آسیب به محیط زیست می‌شوند و یا چنین احتمالی بر آن طرح‌ها می‌رود، ارزیابی می‌شوند. (شیلتون و کیس الکساندر، ۱۳۸۹: ۱۰۶). اگرچه این روش به درستی در سطح بین‌الملل تعریف نشده است، اما ارزیابی آثار زیست محیطی مستلزم دستیابی به داده‌های علمی، بررسی دقیق تبعات زیست محیطی و در میان گذاشتن نتایج با مقامات و جوامع مربوطه است. (Morgera, 2009: 179). اصل

1. Norms on the Responsibilities of Transnational Corporations and Other Business Enterprises with regard to Human Rights(2003), Adopted by Economic and Social Council (Commission on Human Rights) at its 22nd meeting, on 13 August 2003, available on <https://digitallibrary.un.org/record/501576>., Last visited 12 March 2021.

مزبور در رأی صادره از سوی دیوان بین‌المللی داوری در پرونده دریاچه لانوکس^۱ میان اسپانیا و فرانسه برای نخستین بار برای شناسایی پیامدها و پیشگیری از خسارات زیست‌محیطی مطرح شد، اما دیوان به تأکید و شرح و بسط و قاعده‌سازی آن نپرداخت. (Lake Lanoux Arbitration, 1957). دولت‌ها این اصل کلی حقوق یا قاعده عرفی بین‌المللی را به عنوان یک تعهد الزامی با هدف توسعه پایدار پذیرفته‌اند (سالاری، ۱۳۹۹:۱۳۳۳) که این تکلیف قانونی، نخستین بار در کنوانسیون اسپو ۲۵ فوریه ۱۹۹۱ به عنوان اولین آیین ارزیابی اثرات زیست‌محیطی فرامرزی به‌نحو الزام‌آور، با تصویب شانزده دولت در ۱۹۹۷ لازم‌الاجرا شد (علی‌اوغلی و همکاران، ۱۳۹۷:۴).^۲ همچنین اتحادیه اروپا در سطح معاهدات و مذاکرت منطقه‌ای خود به توسعه پایدار و اجرای مفاد محیط زیستی همواره اهتمام دارد و از نزدیک نیز بر اجرای مفاد مقررات زیست‌محیطی تجارت و توسعه پایدار که جامعه مدنی در آن نیز نقش دارد، نظارت می‌کند. چون اتحادیه اروپا تضمین می‌کند که ملاحظات زیست‌محیطی به موقع در روند سیاست‌گذاری خود از طریق استفاده روشمند از ارزیابی اثرات یکپارچه شده اعمال شود (جلالی و همکاران، ۴۲). همان‌گونه که گفته شد، دولت در برابر اشخاص حقوق خصوصی که تحت کنترل و هدایت او یا به عنوان مجری امور حاکمیتی به اجرای پروژه‌های می‌پردازند (زمانی و میرزاده، ۸۳) یعنی در واقع در ارزیابی پروژه‌های عمرانی و صنعتی، اشخاص حقوق خصوصی به عنوان مجری برنامه‌های دولت، باید به‌طور گسترده از اصل توسعه پایدار استفاده شود و منطقی است که گفته شود اگرچه رعایت مولفه‌های توسعه پایدار در نظام حقوق بین‌الملل الزامی نباشد، دولت‌ها و ارگان‌های آن ملزمند که در نتیجه فرآیند برنامه‌های مربوط به توسعه، به ارتقای توسعه پایدار توجه داشته باشند (عزیزی و موسوی، ۱۳۹۵:۱۱۷). و نیز این امر که دولت‌ها مکلف به رعایت کامل حقوق بشرند و داشتن حق محیط زیست سالم یکی از حقوق بنیادین بشر است،

1. Lake Lanoux

۲. کنوانسیون اسپو که بعدها در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۴ اصلاح گردید، کنوانسیون اسپو شامل هفت ضمیمه است. ضمیمه‌های این کنوانسیون شامل بسیاری از اطلاعات دقیق برای تضمین اجرای مؤثر ارزیابی اثرات زیست محیطی مرزی است. این کنوانسیون محدودیت‌هایی را در مورد طرح‌های توسعه جدید که نیازمند ارزیابی‌های زیست محیطی بوده و کشورها بر طبق آن ملزم به رعایتش می‌باشند، مطرح می‌کند.

و هم چنین دولت‌ها در قبال احترام و رعایت حقوق بشر از سوی شرکت‌ها پاسخگو هستند و شرکت‌ها باید از نقض حقوق دیگران خودداری کنند و مکلفند که رعایت حقوق بشر را در چارچوب همه فعالیت‌هایشان بکنند که شامل برداشت منابع از محیط زیست محل پروژه نیز می‌گردد، که تسری این تعهدات به شرکت‌ها، برای صیانت از حقوق بشر می‌باشد (محمودی و صدیقیان کاشانی، ۱۳۹۷: ۸۴۶). بنابراین در جهت اجرایی شدن اصل یکپارچه‌سازی، ضروری است که دولت‌ها و اشخاص حقوق خصوصی پیوسته، آثار زیست محیطی فعالیت خود را ارزیابی نمایند. در این راستا نه تنها افراد و جوامع محلی را در این ارزیابی مشارکت دهند؛ بلکه نتایج ارزیابی‌ها را به اطلاع ایشان نیز برسانند؛ زیرا آثار زیست محیطی فعالیت‌ها متوجه این افراد و جوامع است. این ارزیابی‌ها چنان اهمیت دارند که پیش‌زمینه تدوین نظام‌های مدیریت محیط زیست برای شرکت‌ها تلقی می‌شوند.^۱

۳-۵. احتیاط

برابر نص ماده ۱۵ کنوانسیون ریو ۱۹۹۲، اصل احتیاط بدین گونه تعریف شده است: برای حفاظت از محیط زیست، دولت‌ها باید متناسب با امکانات خود تدابیر احتیاطی وسیعی را اعمال نمایند. در صورت خطر ورود صدمات شدید یا غیر قابل جبران، عدم وجود دلایل قطعی علمی نباید بهانه‌ای برای تأخیر در اتخاذ تدابیر مؤثر برای پیشگیری از ورود صدمه به محیط زیست گردد. (موسوی، ۱۳۸۰: ۳۷۴) احتیاط به این معناست که دولت‌ها نباید در شرایطی که مخاطرات جدی و غیرقابل جبران وجود دارد، عدم قطعیت علمی را مبنای تعویق اقدامات مؤثر برای پیشگیری از انهدام محیط زیست قرار دهند.^۲ همچنین اصل احتیاط در کنوانسیون حفاظت از لایه اوزون^۳، وین ۱۹۸۵ و پروتکل کارتاخنا در مورد امنیت زیستی^۴ نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

1. Norms on the Responsibilities of Transnational Corporations and Other Business Enterprises with regard to Human Rights (2003), Adopted by Economic and Social Council (Commission on Human Rights), E/CN.4/Sub.2/2003/ 38/ Rev.2.

۲. اعلامیه ریو، اصل ۱۵.

3. Convention for the Protection of the Ozone Layer (Vienna, 22 March 1985), Arts. I and V (3)(a).

4. Cartagena Protocol on Biosafety (Montreal, 29 January 2000), Art. 10(6).

در این راستا راهنمای میثاق جهانی ملل متحد تأکید می‌کند که بر مبنای اصل احتیاط، بنگاه‌ها باید به منظور جلوگیری از وقوع صدمه زیست محیطی جبران ناپذیر، مؤثرترین و سریع‌ترین اقدام ممکن را به عمل آورند. برای نیل به این هدف از شرکت‌ها انتظار می‌رود آثار و مخاطرات زیست محیطی فعالیت‌های خود را برآورد نمایند، بر روی روش‌های تولید پایدار سرمایه‌گذاری کرده و به تحقیق و توسعه محصولات سازگار با محیط زیست بپردازند.^۱ در مقابل، اصول راهنمای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه درصدد آن است که با توسل به رویکرد احتیاطی، شرکت‌ها را از اقدام توأم با تأخیر، در صورت عدم قطعیت علمی بازدارد. این اصل که در راستای اصل پیشگیری مطرح بوده است، درصدد بیان تعهد پیشگیرانه است. تعهدی که بایرن و بویل آن را به شکل حفاظت و کنترل فعالانه بیان می‌کنند. پیامد پذیرش این اصل، به عنوان قاعده حقوقی، جابه‌جایی بار اثبات دعوا است، بدین معنی که در هرگونه اقدام مشکوک در ارتباط با محیط زیست، اقدام کننده باید به هر طریقی اثبات نماید که اقدام وی برای محیط زیست خطرناک نیست. (مولایی، ۱۳۸۸: ۴۲۶) به لحاظ ماهوی، اصل احتیاط، شرکت‌ها را ملزم می‌نماید تا در هنگام تصمیم‌گیری در مورد فعالیت‌هایی که ممکن است تأثیر نامطلوبی بر محیط زیست داشته باشند با دقت و دوراندیشی عمل نمایند. همچنین اصل یاد شده، شرکت‌ها را از عدم قطعیت علمی به عنوان عذری برای مبادرت به فعالیت‌های بالقوه خطرناک برای محیط زیست برحذر می‌دارد. با اتکا بر این اصل، شرکتی که قصد انجام فعالیتی را دارد، باید اثبات نماید که فعالیت وی زینانی برای محیط زیست ندارد.

۴-۵. همکاری و مشارکت عمومی

در حقوق بین‌الملل محیط زیست، اصلی با نام همکاری وجود دارد که بر همکاری دولت‌ها و نیز اشخاص حقوق خصوصی و موسسات تجاری که پیروان حقوق بین‌الملل هستند، در تمام زمینه‌های زیست محیطی تأکید می‌ورزد.^۲ این تعهد که در

1. Guide to the UN Global Compact, 54.
2. Norms on the Responsibilities of Transnational Corporations and Other Business Enterprises with regard to Human Rights(2003), part E, p.2. Adopted by Economic and Social Council. Also The Issue of Human Rights and Transnational Corporations and Other Business Enterprises (2011), General Assembly, A/HRC/17/31.

قالب یک اصل ریشه گرفته از حقوق عرفی بین الملل می باشد و در هنجارهای ملل متحد و اصول راهنمای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه آمده است که بر مشارکت دادن افراد متأثر توسط بخش خصوصی تأکید می نمایند.^۱ این بیان گر همکاری و تشریک مساعی اشخاص در وضعیتی است که محیط زیست دچار آسیب و خسارت شده یا در شرف آن می باشد. زیرا زندگی مشترک بین المللی لزوماً همکاری بین المللی و گرفتن مشورت عمومی به ویژه از منابع محلی و بومی را به دنبال خواهد داشت. (موسوی، ۱۳۹۱: ۲۴). قواعد مدون سازمان ملل متحد که در کنفرانس ها، بیانیه ها و معاهدات گوناگون آمده است؛ در راستای همراه کردن جوامع بومی و محلی در اجرای یک پروژه یا فرآیند بهره برداری از محیط زیست و تأکید بر مشارکت دادن بومیان مهم در پروژه ها و بخش های خصوصی است (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۸۹: ۹۳). اصل دهم بیانیه ریو ۱۹۹۲ پیرامون محیط زیست و توسعه بیان می دارد که؛ مسائل مربوط به محیط زیست هنگامی به بهترین نحو حل و فصل می شوند که کلیه شهروندان در سطوح مناسب در آن مشارکت داشته باشند. در سطح ملی، هر فرد باید به اطلاعات مربوط به محیط زیست که در اختیار مقامات عمومی می باشد از جمله به اطلاعات مربوط به مواد و فعالیت های خطر آفرین موجود در جوامع خویش دسترسی داشته و امکان شرکت در فرآیند تصمیم گیری را داشته باشد. هنجارهای ملل متحد در راستای مشارکت و مشورت عمومی، دولت ها را مکلف نموده که از طریق انتشار عمومی اطلاعات مربوط به محیط زیست، در ترویج و ارتقاء آگاهی عمومی در این زمینه بکوشند و حق جوامع محلی در دسترسی مؤثر به مذاکرات اداری و قضایی، از جمله به تصمیمات اصلاحی متخذه، باید تأمین گردد. زیرا مشارکت این جوامع در ارزیابی آثار زیست محیطی و مدیریت پروژه های بخش خصوصی می تواند باعث ارتقاء کیفیت ارزیابی ها، کیفیت اطلاعات و متعاقباً تصمیم گیری بهتر و توسعه راه کارهای کاهش آلودگی و برنامه ریزی بهتر برای

1. Principles for responsible contracts: integrating the management of human rights risks into State-investor contract negotiations: guidance for negotiators (2011), General assembly, A/HRC/17/31/Add.3. and Report of the Special Representative of the Secretary-General on the issue of human rights and transnational corporations and other business enterprises, (2010), General Assembly, A/65/310.

حوادث احتمالی شود^۱. اصل بیست و دوم بیانیه ریو ۱۹۹۲ نیز به اهمیت بالای جوامع محلی و جوامع بالقوه تأثیرگذار در این امر اشاره می‌کند: ((افراد بومی و جوامع آنها و سایر جوامع محلی به دلیل دانش و شیوه‌های سنتی خود نقشی حیاتی در مدیریت و توسعه محیط زیست دارند. دولت‌ها باید هویت، فرهنگ و منافع آنها را به رسمیت شناخته و از آنها پشتیبانی کنند و مشارکت کارا و موثر آنها را در دستیابی به توسعه پایدار امکان پذیر سازند)). بر مبنای این هنجار بین‌المللی، بخش خصوصی باید از مشارکت یافتن جوامع اطمینان حاصل نماید، به ویژه در مواردی که تأثیر زیست‌محیطی احتمالی می‌تواند مانع حق بر سبک زندگی سنتی، امور فرهنگی، زمین و منابع طبیعی جوامع محلی و بومی گردد. همچنین بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی به این موضوع اشاره نموده‌اند که مشارکت این جوامع در ارزیابی آثار زیست‌محیطی و مدیریت پروژه‌های بخش خصوصی می‌تواند باعث ارتقاء کیفیت ارزیابی‌ها، کیفیت اطلاعات و پیروان تصمیم‌گیری بهتر و توسعه راه‌کارهای کاهش آلودگی و برنامه‌ریزی بهتر برای حوادث احتمالی شود (Morgera, 2009: 192-3). به هر روی؛ به نظر می‌رسد مشارکت جوامع و افراد محلی در تصمیمات شرکت‌ها برای دخالت در محیط زیست، به دلیل زندگی کردن آنها در محیط مربوطه و شناخت کافی محل، می‌تواند مبنای مهمی برای تعامل این گروه‌ها با بخش خصوصی و همچنین این بخش با دولت‌ها در جهت کاهش یا مهار آلودگی‌های زیست‌محیطی باشد؛ اما شوربختانه باید گفت در عمل، جوامع و گروه‌های بومی و محلی، جایگاه چندانی در این تصمیمات ندارند و باید مشارکت و مسئولیت بیشتری در فرایندهای زیست‌محیطی داشته باشند. یکی از سازوکارهایی که در این راستا، می‌توان پیشنهاد داد؛ استفاده کردن از نیروی کار محلی است. یعنی اینکه از بومیان محل اجرای پروژه برای برداشت از محیط زیست و منابع طبیعی بهره برد. چه اینکه هزینه‌های کار و اجرای پروژه نیز کاهش یافته و اشتغال‌زایی نیز صورت می‌گیرد، مردم از محل زندگی‌شان بیرون رانده نشده و مهاجرت‌های اجباری نیز به دلیل نبود شغل و امرار معاش رخ نخواهد داد. یک سازوکار پیشنهادی دیگر که به مفهوم تعهد

1. The Convention on Access to Information, Public Participation in Decision-making and Access to Justice in Environmental Matters, (usually known as the Aarhus Convention), 1998.

به همکاری شایان ذکر است؛ دربردارنده طیف وسیعی از همکاری‌ها، از تأمین منابع و فناوری لازم و برگزاری دوره‌های آموزشی تا تبادل اطلاعات و کمک به هنگام موارد اضطراری زیست محیطی را می‌توان بیان نمود. (طیبه، ۱۳۹۶: ۱۱۰)

۵-۶. اطلاع رسانی و آگاه سازی

یکی از جایگاه‌های کاربرد این اصل، عهدنامه آرهاس ۱۹۹۸ است که نخستین سند لازم الاجرا در قلمرو بین‌المللی در مورد دسترسی همگانی به اطلاعات زیست محیطی و وضعیت زیست بوم، مشارکت عمومی در تصمیم‌سازی و دسترسی عام به اطلاعات زیست محیطی می‌باشد. این عهدنامه، سند مهمی برای تضمین رعایت اصول مردمی در اتخاذ و اجرای تصمیمات دولتی است. ماده سه عهدنامه اصول کلی را در زمینه دسترسی عمومی به اطلاعات زیست محیطی بیان می‌دارد و دستگاه‌های دولتی را تشویق می‌کند که سیاست اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی در زمینه دسترسی شهروندان به اطلاعات زیست محیطی را تهیه و اجرا کند.^۱

اصل اطلاع‌رسانی در خصوص خطراتی که ممکن است محیط زیست کشوری را تحت تأثیر قرار دهد، به عنوان یک وظیفه به دولت‌ها تکلیف شده است. در این راستا اطلاع‌رسانی نسبت به حوادث و سوانحی که تأثیر مخرب آن بر محیط زیست بسیار زیاد است؛ از اهمیت بیشتری برخوردار است. همچنین ارائه اطلاعات زیست محیطی برای همکاری بخش خصوصی با مقامات محلی ضروری است؛ به خصوص که این استاندارد با پیشگیری و کاهش مخاطرات ارتباط نزدیکی دارد. گزارش‌های ملل متحد در سال ۱۹۸۹ با اولویت بخشیدن به ارائه اطلاعات زیست محیطی شرکت‌ها، آن را رکن ضروری اجرای توسعه پایدار اعلام نمود. به عنوان نمونه، پیدا شدن دلفین‌های مرده در سال ۲۰۱۱ یعنی یک سال پس از نشت نفت از سکوی بریتیش پترولیوم؛ آن هم مایل‌ها دورتر از محل چاه نشت‌کننده، گویای عدم اطلاع‌رسانی مناسب این شرکت در خصوص آلودگی

1. The Convention on Access to Information, Public Participation in Decision-making and Access to Justice in Environmental Matters, (usually known as the Aarhus Convention), 1998.

است.^۱ از این رو متخصصین و کارشناسان معتقدند هنگامی که منفعتی عمومی مانند محیط زیست در میان است، شرکت‌ها باید اطلاعات موجود خود را ارائه دهند. اعمال و اجرای این هنجار بین‌المللی نیز مانند ارزیابی آثار زیست‌محیطی باید به صورت مداوم و در طول عمر پروژه و نه فقط پیش از اجرای پروژه یا فعالیت مرتبط با محیط زیست باشد.^۲

۵-۷. پیشگیری و مراقبت

تعهد به پیشگیری از آسیب‌های محیط زیستی تنها تعهد به خودداری از وارد کردن خطر جدی به محیط زیست فرامرزی نیست، بلکه رویکردی پیشگیرانه و مراقبتی است و به دنبال دوری از خطر بدون توجه به ابعاد مختلف آن در تأثیرگذاری فرامرزی با موضوع مسئولیت بین‌المللی است. اصل جلوگیری در حقوق بین‌الملل محیط زیست، در واقع به منظور پیشگیری از خسارات محیط زیستی، پیش از وقوع آنهاست. در حقوق بین‌الملل محیط زیست، اصل جلوگیری (پیشگیری) تکلیف می‌کند دولت‌ها در به کارگرفتن مقررات باید تلاش کنند که بر مبنای عمل منصفانه و به درستی در جهت نظم عمومی فعالیت‌های بخش خصوصی تحت نظارت و قلمرو کنترل وی، روی بخش محیط زیست زبان آور نباشد (کیس الکساندر و همکاران، ۱۳۷۹: ۱۰۱). این اصل یک وظیفه مطلق را در بر می‌گیرد، اما الزام دولت‌ها در جهت این ممنوعیت‌ها وقتی است که آن فعالیت‌ها موجب زیان شدید در محیط زیست گردد. به هر روی تحقق اصل استفاده غیر زیان‌بار در گرو و مستلزم اقدامات پیشگیرانه است. (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۸۶: ۸۳). این اصل، دولت‌ها را ملزم می‌دارد تا به منظور اجتناب از ایراد صدمه به محیط زیست و از طریق کاهش، محدودسازی و کنترل فعالیت‌هایی که زمینه‌ساز مخاطرات زیست‌محیطی هستند، مراقبت کافی را به عمل آورند. بر اساس ماده ۱۱

1. What's killing the Gulf of Mexico's dolphins, Available at: <http://www.mnn.com/earth-matters/animals/blogs/whats-killing-the-gulf-of-mexicosdolphins>.

2. Transnational Corporations (2005), United Nations Conference on Trade and Development Division on Investment, Technology and Enterprise Development, United Nations New York and Geneva, Volume 14, Number 3. And Report of the Secretary General, (1989) UN Doc E/C.10/1989/12. Also Report of Commission on Transnational Corporations (1989), Economic and Social Council, E/1989/28/Rev.1.

اعلامیه ریو ۱۹۹۲، دولت‌ها باید با اتخاذ تمهیدات قانونی و اجرایی مناسب؛ به این مهم جامه عمل بپوشانند. برابر این اصل باید پیش از ایراد صدمه و با ممنوع نمودن فعالیت‌هایی که می‌توانند یا عملاً با نقض هنجارهای شناخته شده حقوق بین الملل به محیط زیست آسیب می‌رسانند، اقدام فوری انجام شود^۱.

برابر هنجارهای ملل متحد، استانداردهای پیشگیرانه دقیق تری برای بخش خصوصی معین شده است. این استانداردهای پیشگیرانه باید از طریق اتخاذ فنون و شیوه‌های زیست محیطی سالم بر اساس میثاق جهانی سازمان ملل که از سوی دبیرکل وقت سازمان ملل متحد، کوفی عنان در سال ۱۹۹۹ طی سخنرانی خود در کنفرانس اقتصاد جهانی در شهر داووس سوییس ارائه شد یا از طریق اقدامات مقتضی به منظور کاهش خطر حوادث و صدمه به محیط زیست و بالاخره اتخاذ بهترین فناوری‌ها و روش‌های مدیریتی اجرا شوند. همچنین استاندارد پیشگیری می‌تواند متضمن حداقل سازی پسماندها نیز باشد؛ بدین مفهوم که شرکت‌ها روش‌های مؤثری را برای جمع آوری پسماندهای محصولات یا خدمات خود به منظور بازیافت و استفاده دوباره در نظر بگیرند^۲.

۵-۸. بهره‌برداری پایدار از محیط زیست

بهره‌برداری و استفاده از محیط زیست باید همراه با رعایت و حفظ آن باشد که این مفهوم، در توسعه پایدار ضروری می‌باشد. توسعه پایدار از دهه ۱۹۸۰ به عنوان مفهوم اساسی در راهبرد بین‌المللی سازمان ملل متحد قرار گرفت. بر اساس گزارش کمیسیون جهانی توسعه و محیط زیست در سال ۱۹۸۷، توسعه پایدار عبارت است از: برآوردن نیازهای نسل حاضر بدون به خطر انداختن قابلیت‌های نسل‌های آینده به گونه‌ای که نیازهای نسل کنونی نیز به مخاطره نیفتد. (مولایی، ۱۳۸۸: ۴۱۰). این اصل که در جریان کنفرانس ریو در مورد محیط زیست و توسعه، در سال ۱۹۹۹ توسعه یافته و در سال ۲۰۰۲

1. Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment' (16 June 1972) UN Doc A/CONF. 48/14/Rev.1 (Stockholm Declaration), Principles 6, 7, 15, 18 and 24.

2. <https://www.un.org/sg/en/content/sg/speeches/1999-02-01/kofi-annans-address-world-economic-forum-davos>, Last visited 9 March, 2021.

در اجلاس جهانی توسعه پایدار رو به تکامل نهاد، یکی از اصول بنیادین نحوه رفتار اشخاص حقوق خصوصی مانند شرکت‌ها است. همان‌طور که در بخش‌های پیشین گفته شد، بخش خصوصی سهم قابل توجهی در استفاده از منابع طبیعی دارد، پس می‌توان از آن انتظار داشت منابع طبیعی را به گونه‌ای مورد مصرف قرار دهد که نسل‌های آینده نیز از آن بهره‌مند شوند. از دیدگاه منطقی نیز در صورتی که بخش خصوصی از منابع طبیعی به شکل صحیح و پایدار بهره‌برداری نماید، می‌توان تداوم حیات گونه‌های مختلف گیاهی و جانوری را انتظار داشت. در این راستا هنجارهای ملل متحد در مورد مسئولیت شرکت‌ها و اصول راهنمای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، از شرکت‌ها انتظار دارند به نحوی عمل کنند که با اهداف توسعه پایدار همسو باشد. چون توسعه پایدار به معنی فرآیند توسعه است که ضمن حفاظت از محیط زیست و مدنظر قرار دادن نیازهای نسل‌های آینده، نیاز نسل کنونی را تأمین می‌کند. (انصاریان، ۱۳۹۷: ۵۷). بیشتر مباحث مربوط به توسعه پایدار در اعلامیه ریو ۱۹۹۲ که تدوین‌کننده عناصر تشکیل‌دهنده توسعه پایدار است، مدنظر قرار گرفته‌اند و وظیفه‌ای به همان دشواری مربوط به مباحث اصل احتیاط در حقوق بین‌المللی محیط زیست را مطرح می‌کنند. (Fitzmaurice, 2009: 67).

توسعه پایدار به عنوان هدف اصلی، برای تشویق بخش خصوصی به رعایت توسعه پایدار در بهره‌برداری از منابع طبیعی و برداشت از محیط زیست در تعداد زیادی از اسناد و معاهدات بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است. مثلاً در معاهده ۱۹۸۲ ملل متحد در مورد حقوق دریاها، به حفظ تعادل اکولوژیکی^۱ اشاره شده است؛ که شامل اکوسیستم‌های کمیاب و شکننده^۲ و سکونت‌گاه‌های گونه‌های در معرض تهدید یا خطر یا رو به کاهش و دیگر اشکال حیات دریایی اشاره شده است.^۳ همچنین کنوانسیون تنوع زیستی^۴ ۱۹۹۲، استفاده پایدار را استفاده از اجزاء تنوع زیستی به گونه‌ای می‌داند که در بلندمدت منجر به کاهش تنوع زیستی نگردد و بدین شکل قابلیت برآورده ساختن

1. Sustainable Use of Natural Resources.
2. Rare and Fragile Ecosystems.
3. The United Nations Convention on the Law of the Sea (UNCLOS) (Montego Bay, 10December 1992) Arts. 145 and 194.
4. Biological Diversity convention.

نیازها و خواسته‌های نسل موجود و نسل‌های آینده را حفظ کند. در این معاهده؛ صراحتاً از بخش خصوصی خواسته شده است تا در تضمین استفاده پایدار از اجزاء تنوع زیستی مشارکت نماید. این معاهده در ماده ۲ در تعریف بهره برداری پایدار چنین بیان می‌دارد: استفاده از اجزای تشکیل‌دهنده تنوع زیستی به اندازه و به شکلی باشد که امکان بهره‌برداری از گونه‌های مختلف و گوناگون برای برآوردن نیازهای نسل کنونی و آینده نیز آسان و ممکن باشد^۱.

۵-۹. استفاده غیر زیان‌بار از قلمرو سرزمینی (سرزمین)

قضیه دریاچه لانو، اختلافی بود که بین کشورهای فرانسه و اسپانیا در سال ۱۹۵۷ مطرح شد. فرانسه، تغییر مسیر آب دریاچه لانو را پیشنهاد داد تا بتواند اقداماتی انجام دهد، اما اسپانیا نگران بود که این عمل به منافع آن کشور آسیب برساند. دیوان داوری در رأی خود عنوان نمود که: ((اگر این عمل فرانسه موجب آلودگی آب‌ها می‌شد (و یا احتمال ایجاد آلودگی را ایجاد می‌نمود) بدون اسپانیا، محق به ادعای تضییع حقوقش بود^۲)). این رأی؛ بار دیگر بدون هیچ شرطی، اعمال حاکمیت درون محدوده سرزمینی را در صورتی که باعث ورود خسارت به محیط زیست کشور دیگر و ایجاد آلودگی شود غیر مجاز شناخته است. به دیگر سخن، ویژگی مهم این رأی در این است که یک اختلاف حقوقی بین‌المللی از طریق اصل استفاده غیر زیان‌بار از قلمرو سرزمینی حل و فصل گشته و محملی برای بروز این اصل پیدا شده است.

رویداد دیگری که نمونه کاربرد و اعمال اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین شد، پرونده تنگه کورفو میان کشورهای بریتانیا و آلبانی در آب‌های کشور آلبانی بود. اختلاف بر سر خسارات وارده به کشتی‌های جنگی بریتانیایی هنگام گذر از تنگه کورفو به دنبال برخورد این کشتی‌ها با مین‌های دریایی به جای مانده از عملیات نظامی متفقین در جنگ جهانی دوم در آب‌های کشور آلبانی در سال ۱۹۴۶ تا ۱۹۴۹ بود.

1. <https://www.cbd.int/convention/articles/default.shtml?a=cbd-02.2018-02-06>

2. Lake Lanoux Arbitration (France v. Spain), 12 R.I.A.A. 281; 24 I.L.L.R. 101, Arbitral Tribunal, November 16, 1957, available at <http://www.ecolex.org/server2.php/libcat/docs/COU/Full/En/COU-143747E.pdf>, Last visited 29 July 2014.

بسیاری از پژوهشگران، پرونده کانال کورفو را به عنوان آفریننده اصل مسئولیت دولتی در مورد خسارات وارده به سایر کشورها و اصل استفاده غیر زیان بار از قلمرو؛ تفسیر و تبیین می‌کنند (Bannelier and Co., 2013:41). اهمیت این اصل در روابط اشخاص حقوق خصوصی نیز ضروری است که این اشخاص در عین حال که به تولید، بهره‌برداری و تجارت بین‌الملل می‌پردازند، باید از سرزمین یک کشور؛ درست استفاده نمایند و عملیات آنها منجر به بهره‌برداری زیان بار از قلمرو نشود. به دیگر سخن بر مبنای قواعد عام مسئولیت مدنی که هیچ شخص حقیقی یا حقوقی، حق ورود خسارت به دیگران را ندارد که اگر شخص حقوق خصوصی نیز ضرری وارد کرد باید به جبران آن پردازد و نیز با استناد به قاعده لاضرر که منبعی برای مسئولیت مدنی است؛ بدین مفهوم که هیچ ضرر جبران نشده‌ای نباید در اجتماع باشد و هر ضرری باید به طور کامل جبران شود (یزدانیان، ۱۳۹۵: ۱۷۰)، شخص حقوق خصوصی نیز نباید به سرزمینی که در آن به فعالیت می‌پردازد، زیان وارد سازد.

۵-۱۰. مدیریت محیط زیست

مدیریت محیط زیست، نظامی است که شامل ساختار سازمانی، فعالیت‌های طرح‌ریزی، مسئولیت‌ها، اعمال، روش‌ها، فرآیندها و منابع برای تهیه، اجرا، حصول، بازنگری و حفظ خط‌مشی زیست‌محیطی برای بهبود دستیابی به بهبود کارکردها و عملکرد زیست‌محیطی است (موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، ۱۳۹۹: ۶). سیستم مدیریت محیط زیست، روشی است که در آن سازمان برای دستیابی به اهداف خود، قسمت‌های مرتبط به کار خود را مدیریت می‌کند. این اهداف می‌توانند به موضوعات مختلفی از جمله کیفیت محصول یا خدمات، کارایی عملیاتی، عملکرد محیطی، بهداشت و ایمنی در محل کار و موارد دیگر مربوط شوند. به دیگر سخن، سیستمی از اطلاعات محیط زیست است که مجموعه فرایندها و آموزش‌ها و روش‌های

1. Corfu Channel Case, Judgment of 9 April 1949, available [Http://www.icjci.org/docket/files/1/1647.pdf](http://www.icjci.org/docket/files/1/1647.pdf), Last visited 9 March 2021.

2. see also: <https://www.iso.org/management-system-standards.html>., Last visited 22 February 2021.

مربوط به آموزش پرسنل، نظارت، جمع‌بندی و گزارش داده‌های تخصصی عملکرد زیست محیطی جهت ارائه به سهام‌داران داخلی و خارجی شرکت‌ها را آماده می‌کند. یک سیستم مدیریت محیط زیست پویا و موثر؛ می‌تواند به شخص حقوق خصوصی، در مدیریت، اندازه‌گیری و بهبود جنبه‌های زیست محیطی عملکرد خود کمک کند. این پتانسیل را دارد که منجر به انطباق کارآمدتر با الزامات اجباری و اختیاری محیطی شود. این امر همچنین می‌تواند به شرکت‌ها کمک کند تا بتوانند تغییر و دگرگونی فرهنگ محیط را تحت تأثیر قرار دهند، زیرا شیوه‌های مدیریت محیط زیست به طور کل و عام است که اثرات گوناگون برجا می‌نهد. یعنی اینکه فرض این است که مدیریت بهتر محیط زیست منجر به عملکرد بهتر و عملیات تجاری منطقی و سالم می‌شود (Sroufe, 2003:417). این راه کار به اشخاص حقوق خصوصی کمک می‌کند تا در شناسایی، مدیریت و کنترل مسائل زیست محیطی به صورت جامع عمل نمایند. استفاده از این سیستم به این اشخاص کمک می‌کند تا تمام ملاحظات و مسائل زیست محیطی مرتبط با عملیات خود را از جمله آلودگی هوا، آب و فاضلاب، مدیریت ضایعات، حفظ و نگهداری خاک، تغییرات آب و هوایی و استفاده از منابع و تأثیرگذاری آن را در نظر بگیرد. (Darnall, 2006: 308). به دیگر سخن، این امر، رویکرد یک نظام هماهنگ مدیریت محیط زیست است که دربردارنده هنجارها، اصول و استانداردهایی از قبیل ایزو^۱ها می‌باشد و مزایایی دارد تا محیط زیست را پیوسته تحت نظر و کنترل نگاه دارد تا از تخریب محیط زیست جلوگیری نماید. ایزوها، هنجارها و استانداردهای ابداع شده توسط سازمان بین المللی

۱. سازمان بین المللی استانداردسازی (The International Organization for Standardization) که معمولاً به نام ایزو (ISO) شناخته می‌شود، یک مؤسسه بین‌المللی تعیین استاندارد متشکل از نمایندگان موسسات استانداردسازی ملی است. این سازمان غیردولتی در سطح گسترده به وضع استانداردهای کلی و جزئی برای هماهنگ کردن استانداردهای متفاوت جهانی می‌پردازد. در عمل، ایزو به صورت یک کنسرسیوم با ارتباطات قوی با دولت‌ها فعالیت می‌کند. این مؤسسه انواع استانداردهای تجاری و صنعتی جهانی را تعیین می‌نماید. مرکز ایزو در ژنو سوئیس قرار دارد و ایران نیز عضو این مجموعه است. برای بیشتر، ن. ک به

گرفته شده است که به دنبال کنترل مسئولیت‌های زیست‌محیطی خود به روشی سیستماتیک است که به ستون زیست‌محیطی پایداری کمک می‌کند.^۱ این شیوه در راستای ارزیابی آثار زیست‌محیطی؛ بسیار کاربردی بوده و از آسیب‌های مستقیم و غیرمستقیم ناشی از فعالیت‌های اشخاص حقوق خصوصی به محیط زیست جلوگیری می‌نماید. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی نیز این سیستم را ابزار ضروری کنترل آثار زیست‌محیطی فعالیت‌های شرکت و ادغام ملاحظات زیست‌محیطی در برنامه‌های تجاری می‌داند. اصول یادشده، نظام مدیریت محیط زیست را مستلزم دو روش کنترل آلودگی و مدیریت منابع می‌داند که با اجرای آن می‌توان آثار زیست‌محیطی فعالیت شرکت‌ها را در بلندمدت کنترل نمود. (OECD Guidelines, Commentary, 30).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. <https://www.iso.org/obp/ui/#iso:std:iso:14001:ed-3:v1:en.>, Last visited 25 February 2021.

برآمد

اشخاص حقوق خصوصی در اجرای پروژه‌های خود در پهنه بین‌الملل، پیوسته از محیط زیست بهره‌برداری می‌کنند و در این راه، یکی از اهدافشان، کسب سود و منافع مالی می‌باشد. به دیگر سخن، فرآیندی که برخی از اشخاص خصوصی، فارغ از رعایت تعهدات زیست محیطی؛ طی می‌کنند، خسارات و آسیب‌های گوناگون زیست محیطی پدید آورده است. این بنگاه‌های اقتصادی بدون اجرای شایسته معاهدات و اسناد بین‌المللی به الزامات و تعهدات محیط زیستی که بر آنان بار شده است، توجه حقوقی لازم ننموده و دلیل ورود ضرر و آسیب به زیست بوم و زیست کره می‌شوند. در حال حاضر حقوق بین‌الملل به ایجاد قواعد ملزم زیست محیطی برای دولت‌ها پرداخته و به اعمال قوانین و قواعد الزام‌آور برای بخش خصوصی؛ کمتر پرداخته است که در این راه، حقوق بین‌الملل محیط زیست نیازمند عنایت بیشتر به این مسئله که قوانین الزام‌آوری برای بخش اشخاص حقوق خصوصی که عرصه کار آنها جنبه بین‌المللی نیز پیدا می‌کند، وضع و اجرا گردد؛ بیش‌ازپیش احساس می‌شود. زیرا برابر قواعد عام مسئولیت مدنی هر شخص باعث ورود ضرر به دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود هست. همان‌گونه که پیشتر گفته شد، اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست در اعمال خود، به عنوان قواعد بالقوه و لازم برای حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار، راه‌کارهایی برای اجرای ضرورت حفاظت از محیط زیست می‌باشند که می‌توان با پرداختن بیشتر و مدون نمودن آنها به عنوان پیش‌فرض‌های قانونی یا عرفی بین‌المللی؛ راه را برای الزام‌آور نمودن آنها در اجرای پروژه‌های بین‌المللی بخش خصوصی که از منابع طبیعی و محیط زیست بهره می‌برند، باز نمود. اصولی همانند پیشگیری، ضرورت حفاظت از محیط زیست، ارزیابی، اطلاع‌رسانی زیست محیطی، مراقبت کافی، توسعه پایدار و اصولی از این دست؛ توان تبدیل شدن به قواعد ضروری و پایه در قراردادهای بین‌المللی و اجرای پروژه‌ها را در عرصه بین‌الملل دارند که حرکت پیش‌گامانه‌ای در این راه آغاز گشته است. این اصول که بارها در اسناد بین‌المللی مانند اعلامیه استکهلم و ریو و در گزارش‌های متعدد سازمان ملل متحد آمده‌اند، با گذشت زمان می‌توانند همانند قواعد داخلی کشورها جنبه الزام‌آور داشته و به صورت قواعد عرفی در قوانین ملی وارد شوند. در این راستا سازمان‌های بین‌المللی دست به تنظیم

قواعد و هنجارهایی زده‌اند که به یکپارچگی مقررات بینجامد. یکی از این سازمان‌ها، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱ (OECD) که با هدف اقتصاد آزاد و رشد اقتصادی در سطح جهانی تشکیل شده و به تدوین استانداردها و هنجارهای راهبردی برای محیط زیست و تنظیم راهنمای تقریباً جامعی در مورد رفتارهای زیست‌محیطی بخش خصوصی پرداخته است. این اصول می‌تواند معیاری متعارف برای ارزیابی و نظارت پیوسته بخش خصوصی در عملکرد زیست‌محیطی ایشان باشد. بنابراین اعمال اصول و هنجارهای بین‌المللی برای کنش‌های زیست‌محیطی اشخاص حقوقی خصوصی شایان توجه بوده و باید همواره در پیگیری، تدوین و اعمال این هنجارها اقدام نمود.

آنچه که در این نوشتار گفته شد، تلاش بر کاربردی و هنجاری کردن اصول و قواعدی است که در حال حاضر در حقوق بین‌الملل محیط زیست، جنبه غیر الزام‌آور دارند و با تطبیق این استانداردها به وسیله دولت‌ها به عنوان قوانین ملی به طور عرفی، می‌توان از آسیب‌ها و خسارات وارد شده به محیط زیست به وسیله بخش خصوصی کاست و جنبه پیشگیری و مراقبت کافی و حفاظت از محیط زیست را به طور عینی تحقق بخشید. بنابراین اهمیت اصول حقوق محیط زیست بین‌الملل ضمن لحاظ و دیدن اصول سرعت و تسهیل تجارت بین‌الملل در قانون‌نگاری‌ها همراه ضمانت اجرای مناسب، باید در صدر توجه باشد و با اهتمام اجماع حقوقی جهانی، با تخلفات و خسارات وارده از سوی اشخاص حقوقی خصوصی؛ برخورد شایسته قانونی صورت گیرد. اصول کلی حقوقی در حقوق بین‌الملل محیط زیست، شایسته تبدیل شدن به یک پیش‌فرض در قوانین، عرف و معاهدات بین‌المللی و قراردادهای خصوصی را برای توجه و ملاک عمل قراردادن به وسیله اشخاص حقوقی خصوصی دارد. زیرا این فرآیند می‌تواند از خسارات بیشتر به محیط زیست جلوگیری نماید تا هدف توسعه پایدار نیز لحاظ گردد.

1. Organisation for Economic Co-operation and Development.

منابع الف) فارسی کتب

۱. ابراهیم گل، علیرضا (۱۳۸۸). *مسئولیت بین المللی دولت*، تهران: شهر دانش.
۲. اسکینی، ربیعا (۱۳۸۷). *حقوق تجارت: شرکتهای تجاری*، ج ۱، تهران: سمت.
۳. انصاریان، مجتبی (۱۳۹۷). *حقوق محیط زیست*، تهران، نشر پیام نور.
۴. جوییتس، تیمو کویروا (۱۳۹۴). *مقدمه‌ای بر حقوق بین الملل محیط زیست*، ترجمه طیبی، سبحان؛ ضرابی، مهناز؛ تهران: نشر میزان.
۵. دبیری، مینو (۱۳۷۵). *آلودگی محیط زیست*، تهران: نشر اتحاد.
۶. شیلتون، دینا، کیس؛ الکساندر (۱۳۸۹). *کتابچه قضایی محیط زیست*، تحقیق و ترجمه محسن عبداللهی، تهران: مرکز مطالعات توسعه قضایی.
۷. شهبازی، محمدحسین، (۱۳۹۳). *درسهایی از اصول فقه*، تهران: میزان.
۸. طیبی، سبحان (۱۳۹۶). *دیپلماسی محیط زیست و تأثیر آن بر تعاملات بین المللی و صلح جهانی*، تهران: نشر خرسندی.
۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷). *الزامهای خارج از قرارداد*، ج ۱، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۰. کوروکولا سوری، لال و رایبسنسون، نیکلاس (۱۳۹۰). *مبانی حقوق بین الملل محیط زیست*، ترجمه سید محمد حسن حسینی، تهران: نشر میزان.
۱۱. کیس، الکساندر، سند، پیتر اچ، لانگ، وینفراید (۱۳۷۹). *حقوق محیط زیست*، ترجمه محمد حسین حبیبی، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. محمدی، ابوالحسن (۱۳۸۶). *مبانی استنباط حقوق اسلامی (اصول فقه)*، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۳. موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران (۱۳۹۹). *مدیریت زیست محیطی - واژه‌نامه*، کرج.
۱۴. موسوی، سید فضل الله (۱۳۹۱). *سیر تحولات منابع حقوق بین الملل محیط زیست*، تهران: نشر میزان.
۱۵. موسوی، سید فضل الله (۱۳۸۰). *حقوق بین الملل محیط زیست*، تهران: نشر میزان.

۱۶. مولایی، آیت (۱۳۸۸). *مبانی و اصول توسعه پایدار زیست محیطی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، مجموعه حقوق محیط زیست، نظریه ها و رویه ها، چاپ اول، تهران، دفتر حقوقی و امور مجلس سازمان حفاظت از محیط زیست.

۱۷. یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۵). *حقوق مدنی، حقوق تعهدات، قواعد عمومی مسئولیت مدنی*، ج ۱، تهران: نشر میزان.

مقالات و همایش ها

۱۸. پاسبان، محمدرضا و اصغری، زینب (۱۳۹۳). *نقش رفتار منصفانه در حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه گذاری خارجی با تأکید بر مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت های فراملی*، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال سوم، شماره هشتم.
۱۹. جلالی، محمود، آرش پور، علیرضا و نوایی فرد، مهسا، (۱۳۹۷). *رابطه تجارت آزاد و حفاظت از محیط زیست در حقوق بین الملل*، پژوهش های حقوق تطبیقی، دوره ۲۲، شماره ۳.
۲۰. رضانی قوام آبادی، محمد حسین (۱۳۸۶). *نگاهی به اصل استفاده غیر زیانبار (پایدار) از سرزمین در حقوق بین الملل محیط زیست*، مجله علوم محیطی، سال چهارم، شماره چهارم.
۲۱. رضانی قوام آبادی، محمد حسین (۱۳۸۹). *بررسی محتوای اصل مشارکت در حقوق بین الملل محیط زیست*، فصلنامه پژوهش حقوق، سال دوازدهم، شماره ۲۹.
۲۳. زمانی، سیدقاسم و میرزاده، منالسادات (۱۳۹۳). *انتساب اعمال متخلفانه اشخاص خصوصی به دولت بر اساس معیار کنترل: رویه دیوان داوری دعاوی ایران-آمریکا*، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال شانزدهم، شماره ۴۳.
۲۴. سالاری، اسماء (۱۳۹۹). *ارزیابی اثرات زیست محیطی فرامرزی در حقوق بین الملل*، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره پنجاه، شماره چهار.
۲۵. صلح چی، محمدعلی (۱۳۹۳). *مسئولیت دولت در قبال نقض حقوق بین الملل بشر توسط شرکتهای فراملی*، فصلنامه پژوهش های حقوق عمومی، سال شانزدهم، شماره ۴۴.
۲۶. عبداللهی، محسن (۱۳۹۶). *رویکردهای نظام مسئولیت بین المللی در جبران خسارت ناشی از اعمال منع نشده در حقوق بین الملل*، مجله حقوقی بین المللی، سال سی و چهارم، شماره ۵۶.

۲۷. عزیزی، ستار و موسوی، سیدمهدی (۱۳۹۵). *پرونده گابچیکوو- ناگیماروس: نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در برجسته‌سازی مفهوم توسعه پایدار*، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۵.
۲۸. علی‌اوغلی، سیمین، میان‌آبادی، حجت و مرید، سعید (۱۳۹۷)، *کنوانسیون ارزیابی اثرات زیست‌محیطی فرامرزی (اسپو)*، سومین همایش ملی صیانت از منابع طبیعی و محیط زیست، دانشگاه محقق اردبیلی.
۲۹. عزیززاده سیدی، وحید و درزی نفت‌چالی، فخرالدین (۱۳۹۳)، *بررسی آلودگی‌های زیست‌محیطی در معادن*، ماهنامه علمی تخصصی فن‌آوری سیمان، شماره ۷۳.
۳۰. غبیشاوی، وحیده (۱۳۸۲). *آلودگی دریای خزر، اثرات آلودگی و راه‌های پیشگیری*، همایش صنایع دریایی ایران، دوره پنجم.
۳۱. محمودی، سیدهادی و صدیقیان کاشانی، منصوره (۱۳۹۷). *تعهدات حقوق بشری و شرکت‌های فراملی با تأکید بر رویکرد شورای حقوق بشر*، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۹، شماره ۲.
۳۲. میرحسینی، سیدمجید و خامسی‌پور، فرسیما (۱۳۹۳). *قانون حاکم بر دعاوی مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست در حقوق اتحادیه اروپا و ایران*، فصلنامه راهبرد، سال بیست و سوم، شماره ۷۳.

تارنماها

۳۳. تارنمای تحلیلی عصر ایران (۱۳۹۳) ۱۷ دی. <https://www.asriran.com/001ZbC>, Last visited 15 February 2021
۳۴. تارنمای خبرگزاری تحلیلی آران (۱۳۹۱). ۸ آبان <http://fa.arannews.com/News/33755/>. Last visited 23 February 2021

ب) انگلیسی

1. Amnesty International, (2012), *Oil Spill Investigations in the Niger Delta Amnesty International Memorandum*, September 2012, <https://www.amnesty.org/download/Documents/16000/afr440422012en.pdf>, Last visited 15 February 2021.

2. Banks, Glenn (2001). *Papua New Guinea Baseline Study*, University of New South Wales, No. 180, New South Wales: MMSD.
3. Bannelier, Karine, *Theodore Christakis and Sarah Heathcote*, (2013), *The ICJ and the Evolution of International Law: The Enduring Impact of the Corfu Channel Case*. London: Routledge.
4. Belching Out Copper, Gold and waste. Available at: https://wwf.panda.org/discover/knowledge_hub/where_we_work/new_guinea_forests/problems_forests_new_guinea/mining_new_guinea/ok_tedi_forest_new_guinea/. Last Visited 1 August 2021.
5. Bigg, Matthew, (2011), *Progress toward Gulf oil well cap*, Reuters news agency, USA., available at <https://www.reuters.com/article/idUSTRE6424KO20100503>. Last visited 9 March 2021.
6. *Biological Diversity convention*, 1992.
7. *Cartagena Proccol on Biosafety*, (2000). (Montreal, 29 January 2000), Art. 10(6).
8. *Convention for the Protection of the Ozone Layer* (Vienna, 22 March 1985), Arts. I and V (3)(a).
9. Corfu Channel Case, Judgment of 9 April 1949, available at <http://www.icjci.org/docket/files/1/1647.pdf> , Last visited 9 March 2021.
10. Darnall, Nicole, Daniel, Edwards Jr, (2006). *Predicting the cost of environmental management system adoption: the role of capabilities*, resources and ownership structure, Strategic Management Journal, Volume 27, Issue 4.
11. *Declaration of the United Nations Conference on the Environment and Development*, (3-14 june 1992), A/CONF.151, Vol I, (Rio Declaration).

12. **Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment** (16 June 1972) UN Doc A/CONF. 48/14/Rev.1 (Stockholm Declaration), Principles 6, 7, 15, 18 and 24.
13. Glasson, John, **Therivel, Riki and Chadwick**, Andrew, (2012), Introduction to Environmental Impact Assessment, Routledge, New York.
14. <https://www.cbd.int/convention/articles/default.shtml?a=cbd-02.2018-02-06>.
15. https://www.azer.com/aiweb/categories/magazine/62_folder/62_articles/62_socar_aioc.html, Last visited 13 February 2021.
16. <https://ejatlas.org/conflict/obuasi-gold-mines-in-ashanti-region-ghana>. Last visited 5 February 2021.
17. <https://www.iso.org/management-system-standards.html>., Last visited 22 February 2021.
18. https://www.azer.com/aiweb/categories/magazine/62_folder/62_articles/62_socar_aioc.html, Last visited 13 February 2021.
19. <https://www.un.org/sg/en/content/sg/speeches/1999-02-01/kofi-annans-address-world-economic-forum-davos>, Last visited 9 March, 2021.
20. <https://www.mercosur.int/documentos-y-normativa/textos-fundacionales/>, Last visited 10 March 2021.
21. https://www.un.org/en/development/desa/population/migration/generalassembly/docs/globalcompact/A_CONF.151_26_Vol.I_Declaration.pdf, Last visited 3 november 2019.
22. Lake Lanoux Arbitration (France v. Spain), 12 R.I.A.A. 281; 24I.L.L.R.101, Arbitral Tribunal, November 16, 1957, available at <http://www.ecolex.org/server2.php/libcat/docs/COU/Full/En/COU-143747E.pdf>, Last visited 29 July 2014.

23. Marsden, Simon and Koivurova, Timo, (2011), ***Transboundary Environmental Impact Assessment in the European Union: The Espoo Convention and its Kiev Protocol on Strategic Environmental Assessment***, Earthscan, London.
24. Morgera Elisa, (2009). ***Corporate Accountability in International Environmental Law***, Oxford University Press, New York.
25. ***Norms on the Responsibilities of Transnational Corporations and Other Business Enterprises with regard to Human Rights***(2003), Adopted by Economic and Social Council (Commission on Human Rights) at its 22nd meeting, on 13 August 2003, available on <https://digitallibrary.un.org/record/501576>., Last visited 12 March 2021.
26. OECD guidelines (Organisation for Economic Co-operation and Development), Available at <http://www.oecd.org/environment/>.
27. ***Principles for responsible contracts: integrating the management of human rights risks into State-investor contract negotiations: guidance for negotiators*** (2011), General assembly, A/HRC/17/31/Add.3.
28. ***Report of Commission on Transnational Corporations*** (1989), Economic and Social Council, E/1989/28/Rev.
29. Report of the Commission on Transnational Corporations, Available at <https://digitallibrary.un.org/record/127206?ln=en>, Last visited 2 March 2021.
30. Report of the Secretary General' (1989) UN Doc E/C.10/1989/12.
31. Report of the Special Representative of the Secretary-General on the issue of human rights and transnational corporations and other business enterprises, (2010), General Assembly, A/65/310.

32. Russia Today(RT), (2020). *Shell must pay nearly half a billion for Oil spill in Nigeria*, court rules., November, 28. Available at <https://www.rt.com/business/508092-shell-oil-spill-nigeria/>, last visited 1 August 2021.
33. Sands, Ph, (2003). *Principles of International Environmental Law*, Cambridge University Press, Cambridge.
34. Shinsato, Alison L, (2005). *Increasing the Accountability of Transnational Corporations for Environmental Harms: The Petroleum Industry in Nigeria*, Northwestern Journal of International Human Rights, Volume 4, Issue 1.
35. Sroufe, Robert, (2003). *Effects of Environmental Systems on Environmental Management Practices and Operations*, Production and Operations Management, U.S.A, Vol. 12, No. 3.
36. Transnational Corporations (2005), *United Nations Conference on Trade and Development Division on Investment*, Technology and Enterprise Development, United Nations New York and Geneva, Volume 14, Number 3.
37. The Convention on Access to Information, (1998). *Public Participation in Decision-making and Access to Justice in Environmental Matters*, (usually known as the Aarhus Convention).
38. The Convention on International Liability for Damage Caused by Space Objects, 1972., available at <https://www.unoosa.org/oosa/en/ourwork/spacelaw/treaties/introliability-convention.html>., Last visited 11 February 2021.
39. The Issue of Human Rights and Transnational Corporations and Other Business Enterprises (2011), General Assembly, A/HRC/17/31.
40. The Moon Treaty, 1979 available at <https://www.unoosa.org/oosa/en/ourwork/spacelaw/treaties/travaux-preparatoires/moon-agreement.html>., last visited 11 February 2021.

41. *The United Nations Convention on the Law of the Sea (UNCLOS) (Montego Bay, 10December 1992) Arts. 145 and 194.*
42. What's killing the Gulf of Mexico's dolphins: <http://www.mnn.com/earth-matters/animals/blogs/whats-killing-the-gulf-of-mexico-s-dolphins>., Last Visited 16 August 2019

